

وٲره نامه

دومين محفل ياد بود

جانباختگان جنش دمokraٲيك نوين افغانستان

٧ قوس ١٣٩٣ (٢٨ نومبر ٢٠١٤)





## گزارشات مختصری از محافل بزرگداشت سالروز جانباختن زنده یاد استاد اکرم یاری و سایر جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان

۷ قوس روز جانباختن زنده یاد استاد اکرم یاری به عنوان روز یادبود از تمامی جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور توسط "کمیته برگزاری ۷ قوس" بصورت هماهنگ و طی سه محفل در نقاط مختلف کشور برگزار گردید. درینجا گزارشات مختصر این محافل تقدیم می گردد.

### گزارش مختصر محفل اول

محفل یاد بود جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور و در پیشاپیش آنها رفیق زنده یاد استاد اکرم یاری به روز جمعه هفتم قوس ۱۳۹۳ خورشیدی با حضور ۱۵۰ نفر اعم از زن و مرد در ولایت... درحالی تدویر یافت که در و دیوار سالون با عکسهای جانباختگان و شعارهای انقلابی مزین گردیده بود. سه قطعه عکس بزرگ از استاد زنده یاد اکرم یاری به سائز ۱۵۰ در ۱۰۰ سانتی متر، استاد عبد الاله رستاخیز و مجید کلکانی به سائز ۱۲۰ در ۸۰

ساعتی متری و یک شعار یاد بود از جانباختگان جریان دموکراتیک نوین در جلو دروازه ورودی سالون جا بجا گردیده بود که زینت خاصی به دروازه ورودی سالون بخشیده بود



ستیژ با تکه های سرخ و طلائی رنگ و با عکس های جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور تزئین گردیده بود. محفل مجموعاً مدت دو ساعت دوام نمود.

برگزاری این محفل زیر شعار "مبارزه علیه پیمان امنیتی رژیم دست نشانده با اشغالگران امریکایی و ناتو و سایر پیمان های امنیتی رژیم با قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی دیگر" برگزار گردید.

در ابتدای محفل افتتاحیه ای توسط یکی از جوانان قرائت گردید. درافتتاحیه چنین قید گردیده بود:

« کمیته برگزاری ۷ قوس رسالت تاریخی خود می داند که همانند ۷ قوس سال ۱۳۹۲ خورشیدی در ۷ قوس امسال نیز مبارزه اصولی و ضروری را علیه تمامی تسلیم شدگان و تسلیم طلبانی پیش برد که خون جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین را وجه المصالحة خیانت های شان قرار می دهند تا از این طریق بر گوشه ای از تخت پر خون خیانت ملی تکیه زنند»

پس از افتتاحیه، کلیپ تصویری جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور برای حاضرین در محفل به نمایش گذاشته شد.

## گرامی باد همه عزیزان و رفقای جانباخته که در زندگی مظهر جامعه نوین بودند و در مرگ بذر آن

سپس محفل با انانسری یکی از دختران پر شور و انقلابی به پیش رفت. انانسر یکی از جوانان را خواست تا اعلامیه ای که از طرف کمیته برگزاری هفت قوس ترتیب گردیده بود به خوانش بگیرد. در اعلامیه با صراحت اعلام گردیده بود که:

« کمیتهٔ برگزاری ۷ قوس"، با توجه به اوضاع و احوال کنونی کشور و مردمان کشور، سالگرد "روز جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان" در ۷ قوس امسال را زیر شعار مبارزه علیه پیمان امنیتی رژیم دست نشانده با اشغالگران امریکایی و ناتو و سایر پیمان های امنیتی رژیم با قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی دیگر، برگزار می نماید.»

به تعقیب "اعلامیه کمیته برگزاری هفت قوس"، سوانح زنده یاد استاد اکرم یاری توسط یکی از دختران جوان به خوانش گرفته شد که با کف زدن های ممتد بدرقه گردید.

در این محفل چهار نفر دیگر سخنرانی نمودند. نفر چهارم که سخنران اصلی بود، در سخنرانی اش معاهدات گندمک و دیورند و توافقنامهٔ امنیتی رژیم با اشغالگران امریکایی و ناتو" را با هم مقایسه نمود. سخنران در اخیر سخنرانی اش چنین بیان نمود:

« وقتی به متن توافقنامه امنیتی رژیم پوشالی با باداران یانکی آن نظر می اندازیم یاد و خاطره عهد نامه های انگلیس که با زور سر نیزه با جیره خوارانش همچو شاه شجاع، یعقوب خان و عبدالرحمن بسته شده بود در ذهن انسان تداعی می گردد.

اگر از یک طرف امپریالیزم امریکا از لحاظ استراتژیک به ایجاد پایگاه های دایمی و حضور دراز مدت در افغانستان نیازمند است،

اما از طرف دیگر این وضع ناشی از وجود منابع سرشار طبیعی در افغانستان به عنوان حوزهٔ

نفوذ امریکا و صدور سرمایه و مهمتر از همه موقعیت استراتژییک افغانستان به عنوان معبری به سوی ذخایر عظیم مواد خام طبیعی و بازار آسیای میانه می باشد. نیروهای ارتجاعی و میهن فروش، تسلیم شده ها، تسلیم طلبان و قلم بدستان جیره خوار مدعی اند که حضور دایمی نیروهای نظامی امریکا به سود مردم افغانستان است. این ها مدعی اند که از این طریق می توان دموکراسی، عدالت اجتماعی، امنیت و صلح را تامین نمود؟! و یا حداقل از درد و رنج و مصائب مردم افغانستان کاست! در حالیکه مسبب اصلی تمام درد و رنج، ناامنی و مصائب برای مردم افغانستان حضور نظامی اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان است. میهن فروشان تداوم حاکمیت و بقای خویش را در حضور نظامی باداران خویش می بینند و به این طریق مردم را از عقوبت کاری می ترسانند که خود مسبب آن هستند.»

در وسط برنامه گروپ رزمی کاران کیوکوشین کای کاراته ماتسوشیما، هنرهای رزمی شان را برای حاضرین در تالار به نمایش گذاشتند که نمادی از قدرت و شکوه هنرهای رزمی بود و قدرت و خشم و انزجار آنان را در دفاع از خون جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور را رقم میزد. این نمایشات حدود ده دقیقه را در بر گرفت.

در آخر محفل، «قطعنامه برگزاری محفل ۷ قوس» توسط یکی از بانوان بخوانش گرفته شد. متن قطعنامه کاملاً علیه توافقنامه امنیتی رژیم دست نشانده با اشغالگران امریکایی، ناتو و سایر قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی بود. در قطعنامه یاد آوری گردیده بود:

« اینک که با گذشت یکسال از ۷ قوس سال ۱۳۹۲ موفق شده ایم دومین سلسله از محافل ویژه یادبود از جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور را در مناطق مختلف کشور، زیر شعار "مبارزه علیه توافقنامه های امنیتی رژیم با اشغالگران امریکایی و ناتو و سایر قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی"، برگزار نماییم، اعلام می نمایم که:

۱ - عامل عمده بحران کنونی در کشور، حضور اشغالگران نیروهای نظامی متجاوز امپریالیست های امریکایی و متحدین شان در افغانستان است. تا زمانی که این نیروهای اشغالگر، تحت هر عنوان و نام ظاهری در افغانستان حضور داشته باشند، حالت بحرانی کنونی در کشور ادامه می یابد. کاملاً واضح و روشن است که حضور اشغالگران این نیروها در افغانستان با امضای توافقنامه های امنیتی میان رژیم دست نشانده و اشغالگران امریکایی و ناتو از بین نمی رود بلکه ادامه می یابد. در چنین شرایطی امضای توافقنامه های امنیتی میان رژیم و سایر قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی، که در واقع با مجوز اشغالگران امریکایی و ناتو صورت می گیرد، نیز نمی تواند زمینه های مساعدی برای از میان بردن عامل عمده بحران در کشور فراهم نماید، بلکه به تداوم آن خدمت می نماید. ما خواهان براندازی تمامی توافقنامه های امنیتی امضا شده توسط رژیم دست نشانده با قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی هستیم و درین راه به مبارزات مان ادامه خواهیم داد. ... »

محفل همانطوریکه با شور و هلهله انقلابی شروع گردید با شور و هلهله انقلابی پایان یافت.

## گزارش مختصر محفل دوم

سی و پنجمین سالیاد جانباختن زنده یاد استاد اکرم یاری و سایر جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور، به روز هفتم قوس سال جاری خورشیدی در شهر... برگزار گردید. در حدود ۵۰ نفر از زنان و مردان مبارز در این محفل یادبود شرکت داشتند.

محفل با قرائت "افتتاحیه برگزاری سی و پنجمین سالیاد جانباختن زنده یاد استاد اکرم یاری و سایر جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور" شروع گردید.

"خلاصه سوانح زنده یاد استاد اکرم یاری" توسط یکی از شرکت کنندگان در محفل قرائت گردید. علاوه بر مقاله تحت عنوان های "با تجدید پیمان با آرمان های جانباختگان جنبش انقلابی مردمی کشور، مبارزه خستگی ناپذیر خویش را علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی تشدید بخشیم" و "نقش کم رنگ زنان در جریان دموکراتیک نوین" توسط دو تن از مردان و زنان شرکت کننده در محفل به خوانش گرفته شد.

یکتن از شرکت کنندگان در محفل سخنرانی ای در مورد "د استاد محمد اکرم یاری سیاسی اندیشه" به پشتو ایراد نمود و در آخر، قطعنامه محفل قرائت گردید.

چندین پارچه شعر انقلابی، که انعکاس دهنده شور و احساسات انقلابی بود، در محفل قرائت گردیده و با شور و هلهله تمامی شرکت کنندگان در محفل بدرقه گردید.

این محفل تا زمان پایان یافتن قرائت قطعنامه "محافل یادبود جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور"، که توسط "کمیته برگزاری ۷ قوس" تنظیم شده بود، مدت دو ساعت ادامه یافت و سپس به کار خود پایان داد.

۸ قوس 1393 خورشیدی



## گزارش مختصر محفل سوم

به روز جمعه ۷ قوس ۱۳۹۳ محفل یاد بود جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین در ولایت ... برگزار گردید. به دلیل حساسیت های امنیتی نسبتاً بالا در محل، افراد زیادی به محفل دعوت نشده بودند. به همین سبب محفل در سطح محدودی برگزار گردید. در حدود ۳۵ نفر در محفل شرکت کرده بودند که اکثریت آن را جوانان تشکیل می دادند.

در روی سٹیژ تصویر زنده یاد استاد اکرم یاری و در پشت سٹیژ بینر "تجلیل از ۷ قوس تجلیل از جانبازی های جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور است" نصب گردیده بود.

محفل با خوانش "افتتاحیه" توسط یکی از رفقا شروع گردید. سپس تصاویر جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور توسط پروجکتور برای حاضرین به نمایش گذاشته شد. بعد از آن تمامی افراد حاضر در محفل بخاطر ادای احترام به جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور به پا خاسته و مدت دو دقیقه سکوت اختیار نمودند.

سه تن از رفقا در محفل سخنرانی نمودند. یک رفیق دیگر پارچه شعر انقلابی ای را دکلمه کرد. محفل مجموعاً مدت یک و نیم ساعت دوام نمود و پس از قرائت "قطعنامه" توسط یکی از رفقا پایان یافت.

۸ قوس ۱۳۹۳ خورشیدی





اطلاعیه ذیل بعنوان اطلاعیه مشترک کمیته برگزاری ۷ قوس در هر سه محفل قرائت شده است.

## تجلیل از ۷ قوس

### تجلیل از جانبازی های جانبختگان جنبش دموکراتیک

#### نوین در کشور است

کمیته برگزاری ۷ قوس افتخار دارد که برای دومین بار، ۷ قوس، روز جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور را برگزار می نماید. ما در ۷ قوس سال گذشته، برای اولین بار، پس از تثبیت روز جانبختن برجسته ترین پیشگام جنبش ما (استاد اکرم یاری) در ۷ قوس ۱۳۵۸ به دست کودتاگران مزدور سوسیال امپریالیزم شوروی، با برگزاری محافل مختلف در نقاط مختلف کشور از این روز تجلیل به عمل آوردیم و عهد نمودیم که همه ساله از این روز تحت عنوان "روز یادبود از تمامی جانبختگان جنبش انقلابی کشور" تجلیل نماییم. بطور مشخص، منظور از "جنبش انقلابی کشور" همانا "جنبش دموکراتیک نوین کشور" است.

منسوبین جنبش دموکراتیک نوین کشور در مبارزه و مقاومت علیه حاکمیت کودتاگران ۷ ثوری و اشغالگری سوسیال امپریالیست های شوروی قربانی های عظیمی را متقبل گردیدند. طبق یک محاسبه تخمینی در حدود ۲۰۰۰۰ نفر از رهبران، کادرها و صفوف این جنبش در این مبارزه و مقاومت جان باختند. یاد همه شان گرامی و راه شان پر رهرو باد! بطور مشخص، تجلیل از "روز جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور"، تجلیل از جانبازی های بی همتای این رفقای بخون خفته است، رفقای بخون خفته ای که اجساد شان در گورهای دسته جمعی نامعلوم در زیر خاک مدفون شده اند.

اما جانبازی های جنبش دموکراتیک کشور، صرفاً محدود به زمان مبارزه و مقاومت علیه حاکمیت کودتاگران ۷ ثوری و اشغالگری سوسیال امپریالیست های شوروی نمی گردد،

بلکه در ایام قبل و بعد از آن نیز وجود داشته و تداوم یافته است. قافله جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان از همان روزهای آغازین جنبش براه افتاد و در طول چند دهه گذشته همچنان با فراز و نشیب ادامه یافته است و تا زمانی که این جنبش و مقاومت و مبارزه آن علیه امپریالیست ها و مرتجعین ادامه داشته باشد، کماکان ادامه خواهد یافت. تجلیل از "روز جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان" بطور عام تجلیل از جانبازی های تمامی این رفقا است.

درین میان، رفیق جانباخته "استاد اکرم یاری" به عنوان برجسته ترین پیشگام جنبش ما، نماد شخصیتی و فردی این قافله طولانی و سالار این قافله است. بنابراین وقتی از رفیق جانباخته "استاد اکرم یاری" یاد می نمایم، صرفاً از یک فرد و از یک شخص یاد نمی کنیم، بلکه از قافله سالاری یاد می کنیم که نماد قافله طولانی ای از جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور است.

امسال روز جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور را در شرایطی تجلیل می نمایم که رژیم دست نشانده توافقنامه امنیتی با اشغالگران امپریالیست امریکایی و همچنان توافقنامه مشابه امنیتی با ناتو یعنی یگانه پیمان نظامی امپریالیستی موجود در جهان را به امضا رسانده است. با امضای این موافقتنامه ها در واقع عمر دوره اشغال افغانستان زیر پرچم دروغین به اصطلاح سازمان ملل متحد به پایان می رسد و دوره اشغال بدون این ماسک کاذب بین المللی آغاز می گردد.

امضای موافقتنامه امنیتی با اشغالگران امپریالیست امریکایی از جانب رژیم توسط یکی از مزدوران وطنفروش سوسیال امپریالیزم شوروی سابق، که اکنون زیر بیرق اشغالگران جدید خزیده است، نشاندهنده این امر است که رژیم دست نشانده در عین حالیکه یک رژیم دست نشانده اشغالگران امریکایی و ناتو است، می تواند تمامی جنایات سوسیال امپریالیست های شوروی سابق را - که امپریالیست های روسی کنونی میراثخوار آنها محسوب می گردد - کاملاً به فراموشی بسپارد و از وابستگی های اقتصادی و سیاسی، منجمله وابستگی های نظامی، به امپریالیست های روسی نیز استقبال نماید. امضای موافقتنامه های متعدد با دولت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی دیگر، مثل کشورهای

مختلف اروپایی، چین، هند، ایران، ترکیه و غیره در پهلوی موافقتنامه های امضا شده با اشغالگران امریکایی و ناتو، نشاندهنده این امر است که اشغالگران امریکایی حاضر اند با حفظ موقعیت رهبری در افغانستان اشغال شده، به قدرت های دیگر امپریالیستی و ارتجاعی خارجی نیز اجازه دهند که سهمی در این خوان سلطه و یغما داشته باشند. بنابراین امضای این همه موافقتنامه های استراتژیک و امنیتی با قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی توسط رژیم دست نشانده، برخلاف آنچه رژیم و اربابان خارجی رژیم ادعا دارند، ویران کننده تمامی بنیادهای استقلال افغانستان و آزادی ملی مردمان آن است و به هیچ وضع دیگری منجر نمی گردد، مگر محکم کردن هرچه بیشتر زنجیرهای استثمار و ستم امپریالیستی و ارتجاعی بر دست ها و پاهای مردمان زحمتکش کشور. آنچه امروز کشور نشان می دهد، نشاندهنده نتایج تا کنونی این وضعیت سیاسی است و آنچه فردهای کشور نشان خواهد داد، نشاندهنده نتایج آینده وخیم تر و وخیمتر همین وضعیت سیاسی خواهد بود.

"کمیته برگزاری ۷ قوس"، با توجه به اوضاع و احوال کنونی کشور و مردمان کشور، سالگرد "روز جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان" در ۷ قوس امسال را زیر شعار مبارزه علیه پیمان امنیتی رژیم دست نشانده با اشغالگران امریکایی و ناتو و سایر پیمان های امنیتی رژیم با قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی دیگر، برگزار می نماید. انتظار و آرزوی صمیمانه ما این بود که تمامی منسویین برحال جنبش دموکراتیک نوین کشور، اعم از نیروها و شخصیت های منفرد، و سایر گروه ها و عناصر ملی و دموکرات، ما را در اجرا و پیشبرد این مسئولیت و وظیفه مبارزاتی یاری رسانند.

وقتی امروز می بینیم که این انتظار و آرزو تا حد معینی برآورده شده است، امیدواری ما برای تعمیق و گسترش بیشتر و بیشتر اجرا و پیشبرد مسئولیت ها و وظایف مبارزاتی در آینده افزون تر و افزون تر می گردد.

## "کمیته برگزاری ۷ قوس"

۷ قوس سال ۱۳۹۳

این سند بعنوان سند مشترک کمیته برگزاری ۷ قوس در محافل قرائت گردید.

## خلاصه سوانح زنده یاد استاد اکرم یاری



در سال ۱۳۲۰ خورشیدی، در ولسوالی جاغوری ولایت غزنی، در خانواده عبدالله پسر یار محمد که یک متنفذ محلی بود فرزندی به دنیا آمد که نامش را محمد اکرم گذاشتند. محمد اکرم در سال های نوجوانی نام خانوادگی خود را طبق رسم معمول خانوادگی از پدر کلان پدری اش گرفت و معروف به اکرم یاری شد. او دوران کودکی اش را در همان محل زادگاهی اش سپری نموده و تحصیلات ابتدایی را نیز در در همان محل به پایان رساند.

عبدالله پدر محمد اکرم بخاطر اینکه اولین مروج معارف عصری در جاغوری بود، به پدر معارف در جاغوری معروف شد. محمد سرور یاری بزرگترین پسر عبدالله که از جمله اولین ثمره های معارف عصری در جاغوری و در خانواده عبدالله بود، با استفاده از یک بورس تحصیلی دولتی برای تحصیلات عالی به امریکا رفت. لیاقت تحصیلی محمد سرور باعث گردید که در جریان تحصیلات در امریکا بنا به تحریکات عوامل دربار به قتل برسد. جنازه او در یک تابوت سربسته به کابل انتقال یافت و بنا به دستور دربار به همان صورت سربسته در قبرستان سخی در کابل به خاک سپرده شد. هیچ کسی از خانواده محمد سرور، به شمول پدر و مادرش، نتوانستند جنازه او را مستقیماً ببینند. در میان اهالی شهر کابل این افواه وسیعاً پخش شد که محمد سرور بنا به دستور پسر ظاهرشاه توسط یک موتر به قتل رسیده است و چون جنازه اش توته هایی از گوشت و استخوان بوده، دربار اجازه نداده است که کسی جنازه را ببیند. مقبره محمد سرور به "قبر شهید" معروف شد و به یک زیارتگاه عمومی اهالی کابل مبدل گردید.

دولت استبدادی ظاهرشاه بخاطر تسلی و دلجویی عبدالله و سایر متنفذهین و اهالی منطقه و برای اینکه بتواند از خیزی و شورش در منطقه علیه خود جلوگیری نموده و نفوذش را در منطقه گسترش دهد، اکرم خوردسال را لقب شهزادگی داد. اما وقتی که این طفل بزرگ شد و به سنین نوجوانی پا گذاشت، بنا به خواست مکرر ظاهرشاه و ترس و علائق پدر در واقع به حیث گروگان به دربار فرستاده شد. رسم گروگان گیری از خانواده های با نفوذ و امیران تابع سلطنت مرکزی توسط دربار سنت قدیمی ای بود که تا آن زمان هم

وجود داشت و فقط شکل ظاهری آن فرق کرده بود. با توجه به سنت دیرپای متذکره و با توجه به تاریخ گذشتهٔ کشانده شدن جوانان هزاره به بردگی، اکرم نوجوان مدت چهار سال را در دربار با احساس یک گروگان در دربار قاتل بزرگترین برادرش و حتی بدتر از آن، به گفتهٔ خودش، با احساس یک برده بسر برد. وقتی به سن جوانی پا گذاشت، دیگر نتوانست با چنان وضعیتی سازگاری نماید. دست به بغاوت زد و علیرغم مخالفت دربار و شاه و مخالفت ترس آلود پدر، از دربار خارج گردید و زندگی سادهٔ پر افتخار در میان توده های مردم را به زندگی پر از ناز و نعمت ولی حقیرانه و برده وار در دربار ترجیح داد.

محمد اکرم یاری پس از فراغت از لیسهٔ حبیبیهٔ کابل، شامل دانشکدهٔ ساینس دانشگاه کابل گردید. وی پس از فراغت از دانشکدهٔ ساینس پوهنتون کابل، شغل معلمی را برگزید و در لیسهٔ رحمان بابا و سپس لیسهٔ نادریهٔ کابل به تدریس مشغول گردید.

اکرم یاری جوان هنوز متعلم مکتب بود که با تاثیر پذیری از برادر بزرگترش (زنده یاد صادق علی یاری) با آثار انقلابی آشنا شد. در آن موقع یعنی دههٔ ۳۰ شمسی که دورهٔ صدارت استبدادی سردار داودخان بود، محافل کوچکی از روشنفکران انقلابی در کابل شکل گرفته بود که به مطالعهٔ آثار انقلابی می پرداختند و در میان خودشان به جروبوت های محفلی ادامه می دادند.

وقتی دورهٔ صدارت استبدادی سردار داود خان به پایان رسید و دورهٔ دموکراسی کذایی ظاهرشاهی آغاز گردید، تقریباً بلافاصله یک تعداد از چهره های معلوم الحال به اصطلاح چپ گه کارنامه های خاینانهٔ شان در مبارزات دورهٔ ۷ شورا و سال های بعد از آن تبارز آشکار یافته بود، تحت رهبری عناصر سیاسی فاسدی چون نورمحمد تره کی و ببرک کارمل در اوایل زمستان ۱۳۴۳، حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به مثابهٔ بلندگوی ایدیولوژیک - سیاسی رویونیست ها و سوسیال امپریالیست های تازه به قدرت رسیده در شوروی تاسیس کردند. در این زمان بود که استاد زنده یاد اکرم یاری نقش پیشروندهٔ تاریخی ای در موضعگیری علیه رویونیسم و سوسیال امپریالیزم شوروی و رویونیست های مزدور آنها در افغانستان بر عهده گرفت. کسان زیادی از عناصر چپ در آن زمان بنا به سوابق خاینانهٔ رهبران حزب نو تشکیل شدهٔ رویونیست، علیه آنها موضعگیری داشتند. اما این استاد زنده یاد اکرم یاری بود که با موضعگیری علیه رویونیسم و سوسیال امپریالیزم شوروی و رویونیست های مزدور آنها در افغانستان، مخالفت متذکره را، که بعضاً با نوسانات شدید سیاسی و حتی گرایش بطرف رویونیست ها همراه بود، از یک پایهٔ ایدیولوژیک - سیاسی اصولی و مستدل بین المللی و ملی برخوردار نموده و جنبش انقلابی راستین را در افغانستان به وجود آورد.

سازمان جوانان مترقی به مثابه یک سازمان اصولی انقلابی و ضد رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی و رویزیونیست های بومی مزدور آنها، بخاطر پیشبرد مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم، در ۱۳ میزان سال ۱۳۴۴ به وجود آمد. معهدا استاد زنده یاد اکرم یاری در کنگرهٔ موسس سازمان نتوانست موضعگیری علیه رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی را رسمیت ببخشد. سنتریست های درون سازمان جوانان مترقی به بهانهٔ روشن نبودن کافی وضعیت جنبش انقلابی بین المللی در رابطه با انحرافات متذکره، موضعگیری رسمی درینمورد را به تعویق انداختند. اما دو سال بعد در نشست عمومی دوم سازمان در میزان ۱۳۴۴، که گویا دیگر وضعیت جنبش انقلابی بین المللی به قدر کافی روشن شده و سنتریست های درون سازمان خلع سلاح شده بودند، رسمیت موضعگیری متذکره تأمین گردید.

سازمان جوانان مترقی چند ماه بعد از نشست عمومی دوم سازمان و به پیروی از فیصله های آن، جریدهٔ شعلهٔ جاوید را به عنوان ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین به دست نشر سپرد. این جریده به سرعت به یک نشریهٔ توده یی در میان روشنفکران، کارگران و توده های فقیر مبدل گردید و علیرغم اینکه صرفاً توانست تا شمارهٔ یازدهم منتشر گردد و پس از آن با سرکوب و سانسور ارتجاع حاکم مواجه شده و از نشر باز ماند، توانست جریان دموکراتیک نوین ( جریان شعلهٔ جاوید ) را به مثابهٔ وسیع ترین جریان سیاسی رزمندهٔ آن روز در افغانستان به وجود بیاورد.

سیاست سرکوب جریان دموکراتیک نوین، بعد از توقیف جریدهٔ شعلهٔ جاوید نیز ادامه یافت و قوای ضربهٔ پولیس ارتجاع در جریان سرکوب یک مظاهرهٔ وسیع توده یی جریان، اکثریت رهبران جریان را دستگیر کرده و به زندان انداخت. علیرغم این سرکوب، تظاهرات وسیع ۱۵۰۰۰ نفری جریان دموکراتیک نوین در اول ماه می ۱۳۴۸ به عنوان بزرگترین مظاهرهٔ توده یی ثبت تاریخ سیاسی افغانستان گردید. اما از جانب دیگر دستگیری تعداد زیادی از رهبران جریان، که در میان آنها بعضی از رهبران سازمان جوانان مترقی نیز شامل بودند، باعث گردید که نشست عمومی سوم سازمان، نه در میزان سال ۱۳۴۸ بلکه در میزان سال ۱۳۴۹ یعنی سه سال بعد از نشست قبلی دایر گردد.

فقط چند ماه بعد از نشست عمومی سوم سازمان جوانان مترقی بود که استاد زنده یاد اکرم یاری به مریمی شدیدی مبتلا گردید، مریمی ای که برای چند سال توان پیشبرد

فعالیت سیاسی منظم را از وی سلب نمود. استاد زنده یاد اجباراً از کار و پیکار ایدیولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی سازمانی کناره گیری کرد. در واقع از همان زمان بود که فعالیت های سازمان جوانان مترقی سیر نزولی را در پیش گرفت و پس از نشست عمومی چهارم سازمانی در میزان سال ۱۳۵۱ عملاً و سریعاً با فروپاشی مواجه گردید.

استاد زنده یاد بعد از بهبود نسبی وضعیت صحتی اش، راه رفتن به روستا را در پیش گرفت و در قریه زادگاهی اش در جاغوری مستقر گردید. مریضی جانکاه هنوز هم او را آزار می داد، اما علیرغم آن جمعی از روشنفکران محل را گرد خودش جمع کرده و آموزش آنها را ادامه داد، در رابطه با حقوق دهقانان، تقلیل بهره مالکانه، لغو بیگاری، لغو نوکری خانگی زنان دهقان و غیره، اصلاحات مهمی را شخصاً مورد اجرا قرار داده و یک حرکت دهقانی در سطح محل به وجود آورد، برای ایجاد تشکلات توده یی مبارزه کرد و نوشته های انقلابی ای را به رشته تحریر در آورد. او شریک زندگی اش را از میان یک خانواده دهقانی فقیر، که هیچ پیوندی از لحاظ طایفه یی و موقعیت اجتماعی با خوانین نداشت، برگزید. همه این فعالیت ها و بخصوص دامن خوردن حرکت دهقانی در محل، بر خوانین هم طایفه اش و حکومت محلی گران آمد و این باعث جلب و احضار او توسط حکومت محلی در زمان داود شاهی گردید. با وجود این، به دلیل ترس از بروز عکس العمل توده یی وسیع علیه حکومت وقت، نتوانستند او را به محاکمه بکشند و زندانی نمایند.

استاد زنده یاد اکرم یاری در زمانی که زندگی روستایی را در پیش گرفته بود، مدافع پیگیر مبارزه برای تشکیل حزب انقلابی، مخالف جبهه سازی های پیش از وقت، مدافع سرسخت جنگ توده یی طولانی و مخالف کودتاگری بود و نظراً و عملاً برای این موضعگیری هایش مبارزه کرد.

صرفاً چند ماه بعد از کودتای رویزیونیستی هفت ثور ۱۳۵۷ بود که استاد زنده یاد اکرم یاری توسط کودتاگران دستگیر گردید، اما پس از مدت کوتاهی دوباره رها شد. ولی در ماه حوت ۱۳۵۷ مجدداً دستگیر گردید و به زندان انداخته شد. ماه ها در زندان و زیر شکنجه کودتاگران بسر برد و سر انجام در ۷ قوس سال ۱۳۵۸ شمع زندگی اش یکجا با ۳۵۰ زندانی دیگر، توسط جلادان رژیم گودتا خاموش گردید.

یادش زنده و گرامی و راهش پر رهرو باد!

این سند بعنوان سند مشترک کمیته برگزاری ۷ قوس در هر سه محفل قرائت گردید.

## مقایسه کوتاهی میان معاهدات گندمک و دیورند و توافقنامه امنیتی رژیم با اشغالگران امریکایی و ناتو

۷ قوس روزی است مربوط به همه مردم ستمدیده افغانستان. ما این روز را به یاد تمامی جانباختگان ستمدیده و بخصوص پیشگامان جنبش دموکراتیک نوین کشور و در راس شان استاد اکرم یاری گرامی می داریم و جنایات هولناک سوسیال امپریالیست های شوروی و مزدوران شان را که میلیونها نفر از مردمان ستمدیده این دیار را بخاک و خون کشیدند و یا زنده زنده در گورهای دسته جمعی دفن کردند، شدیداً محکوم می نماییم. ما که خود را میراث دار راه جانباختگان پیشگام جنبش دموکراتیک نوین کشور میدانیم تعهد می نماییم که این راه را تا پای جان ادامه دهیم.

ما این روز را در شرایطی تجلیل می نماییم که رژیم پوشالی توافقنامه امنیتی را با امپریالیزم امریکا و به همین ترتیب توافقنامه مشابهی را با پیمان نظامی امپریالیستی یعنی ناتو به امضا رسانده است. من می خواهم روی امضاء این قرار داد ننگین و پیمان هایی که اشغالگران با امرای خود فروخته و میهن فروش از زمان شاه شجاع تا به حال به امضا رسانده اند مکث کوتاهی نمایم.

زمانی که هند تحت استعمار انگلیس بود، استعمارگران انگلیسی از وحدت ناپلیون و تزار بخاطر حمله به هند هراسان بود. لذا هیئت های سیاسی شان در پشاور، لاهور، همدان و سند مشغول عقد معاهدات مختلف بودند. در این زمان سر هر فرورد جونز از راه بمبئی به ایران رفت و در ۱۲ مارچ ۱۸۰۹ با دولت قاجار توافقنامه ای به امضا رساند که طبق آن ایران متعهد گردید که هیچ قوه اروپائی را اجازه عبور به هند ندهد و اگر افغانستان و یا کشور دیگری به هند حمله نماید، ایران از هند به دفاع بر خیزد. در ضمن بر تانیه متعهد گردید که اگر کدام کشور اروپائی به ایران حمله کند بر تانیه به ایران از لحاظ نظامی و تجهیزات جنگی کمک نماید.

از طرف دیگر، نماینده استعمار انگلیس بالفنستن با هیئت افغانی در ۱۸۰۹ برای اولین بار در پشاور موافقتنامه ای به امضا رساند. امضای این موافقتنامه در حالی صورت گرفت که شاه شجاع پادشاهی دارای استقلال سیاسی بود و انگلیس از لحاظ سیاسی سخت به آن احتیاج داشت. در این موافقتنامه یک صفحه فقط در مدح و ستایش شاه شجاع نوشته شده و در آخر سه ماده طرح شده است.

در ماده اول، شاه افغانستان متعهد گردیده که هرگاه ایران و دولت فرانسه متحد شوند



و بخواهند به هند لشکر کشی نمایند، دولت افغانستان اجازه عبور به آنها نمی دهد و در ماده دوم، بر تائیه تضمین نموده است که هرگاه دولت قاجار به افغانستان حمله نماید، دولت انگلیس از افغانستان جهت بیرون راندن نیروی مهاجم دفاع می نماید.

ماده سوم خواهان دوستی همه جانبه و دائمی افغانستان و انگلیس است.

دومین معاهده انگلیس با شاه شجاع معاهده لاهور بود. این معاهده در حالی به امضا رسید که شاه شجاع از سلطنت خلع گردیده و بی اختیار و جیره خوار انگلیس گردیده بود.

این معاهده در ۲۶ جون ۱۸۳۸ در ۱۸ فقره بین مکاتبن نماینده اکلند گورنر جنرال هند، رنجیت سنگ پادشاه پنجاب و شخص شاه شجاع پادشاه مخلوع و جیره خوار انگلیس به امضا رسید.

در ماده اول این قرار داد چنین آمده است:

« آنچه ممالک متعلقه این روی آب سند و آن روی آب مذکور که در تحت تصرف و داخل علاقه سرکار خالصه جی (رنجیت) است، چون صوبه کشمیر، با حدود شرقی و غربی و شمالی و جنوبی و شمالی اتک و چچه و هزاره و کنبل و انت و غیره توابع آن، و پشاور با یوسفزایی و غیره، وختک و هشت نگر و مچنی و کوهات و هنگو و سایر توابع پشاور تا حد خیبر و بنو و وزیر و تانگ و گرانگ و کاله باغ و خوشحال گده و غیره با توابع آن، و دیره اسماعیل خان و توابع آن و دیره غازی خان و کوت مشهن و عمر کوت و غیره با جمیع توابع آن و سهنکر و اروات مند و اجل و حاجی پور و روح پور و هر سه کیچی ملک مسنگره با تمام حدود آن، و صوبه ملتان با تمام ملک آن. سر کار شاه موصوف (شاه شجاع) و سایر خاندان سدوزائی را در ممالک مرقوم الصدر، هیچ دعوی نسلا بعد نسل و بطنا بعد بطن نبوده و نخواهد بود.»

در ماده شانزدهم چنین آمده است:

« آنچه ممالک و توابع آن در تصرف میران سند الحال است، شه شجاع الملک و سایر خاندان سدوزائی را نسلا بعد نسل بطنا بعد بطن، بابت فرمان برداری یا باقیات معامله مال گذاری، در حال و استقبال با آن ممالک هیچ دعوی و سر و کاری نیست و نخواهد بود، ملک و مال میران سندیه نسلا بعد نسل است و خواهد بود. ( پنج سال بعد انگلیس تمام سند را ملک و مال کمپانی نسلا بعد نسل قرار داد.)» افغانستان در مسیر تاریخ صفحات ۳۹۸ و ۳۹۹.

یکسال بعد از این قرار داد، انگلیس زیر نقاب شاه شجاع افغانستان را اشغال و به مستعمره تمام عیار خود تبدیل نمود.

سومین معاهده در قندهار صورت گرفت. این معاهده در حالی صورت گرفت که شاه شجاع تحت سیطره نظامی انگلیس ها کار می کرد. این معاهده در هفتم می ۱۸۳۹ در سایه سر نیزه به امضا رسید.

در ماده اول آن تمام متن معاهده ۲۶ جون ۱۸۳۸ به رسمیت شناخته می شود و در ماده دوم قید می گردد که از طرف دولت انگلیس یک ایلچی به خدمت شاه مقرر می گردد تا در زمان ضرورت گزارشات لازم را به خدمت مکنا تن ببرد.

به این طریق استعمارگران انگلیسی با سیاست های محیلانه و ردیلا نه شان توسط شاه شجاع، این میهن فروش درجه یک، از یک سو قسمت وسیعی از خاک افغانستان را به هند برتانوی ملحق نمودند و از سوی دیگر در حالی که از سه جانب راه های بحری دخیلی رقیبان خود را در حمله به هند بسته بودند، فقط از یک راه خشکه از سمت شمال غرب به سمت هند که راه افغانستان بود، تشویش داشتند. این راه را نیز به این شکل در قبضه خود در آوردند. به این طریق راه حمله نظامی به هند را به روی رقیبان خویش بستند و خود را راحت ساختند.

به هر صورت سیاست انگلیس ها در افغانستان این بود که به هر شکلی که بتوانند این کشور را ضعیف، متروک و منزوی نگهدارند و روابط سیاسی اش را با جهان قطع نمایند، کشور را در نفاق و خانه جنگی فرو برند و از نشر تمدن و فرهنگ پیشرفته جلو گیری به عمل آورند. آنها به این کار خود توسط عده ای خاین و میهن فروش موفق گردیدند.

به همین ترتیب امیر دوست محمد خان در دوره سلطنت دوم خود معاهده پشاور را به رسمیت شناخت. معاهده ننگین دیگر را امیر محمد یعقوب خان بنام معاهده گندمک با دولت انگلیس به امضا رساند.

این عهد نامه در گندمک بتاريخ ۲۶ می ۱۸۹۷ در ۱۰ ماده منعقد گردید.

در ماده دوم این معاهده آمده است که امیر افغان و ملحقان آن متعهد می شود که تمام کسانی را که در جنگ به نفع دولت انگلیس کار کرده اند، مورد عفو عمومی قرار میدهد.

در ماده سوم قید گردیده که امیر افغان در روابط خارجی باید با دولت انگلیس مشوره نماید و اجازه ندارد که بدون مشوره انگلیس با هیچ دولتی عهد نامه ای ببندد.

در ماده چهارم امیر محمد یعقوب خان متعهد شده است که یک نماینده انگلیس با یک دسته نظامی انگلیس را در منزلش بپذیرد. در صورت بروز معامله مهم خارجی دولت انگلیس حق دارد در سرحدات افغانستان نمایندگان انگلیسی و عساکر محافظ اعزام نماید.

ماده پنجم دولت افغانستان را مسئول حفاظت محافظان انگلیسی دانسته است.

در ماده ششم امیر محمد یعقوب خان متعهد شده که خودش و جانشینانش برای عبور و مرور اتباع انگلیسی مشکل تراشی ننماید تا محفوظ مانده و تجارت نمایند. در این معاهده محمد یعقوب خان نه تنها افغانستان و استقلالش را به انگلیس ها تسلیم نمود بلکه یک سلسله جبال صعب المرور با ساکنین آن را که همیشه در مقابل استعمارگران ایستاده و مبارزه نموده اند با علاقه کرم تا ابتدای جاجی، دره هیبنناک خیبر تا کناره شرقی هفت چاه، لندی کوتل و سیبی و پشین را تا کوه کوژک به انگلیس ها واگذار نمود. بعد از امضای این معاهده انگلیس ها پیروزی خود را در افغانستان جشن گرفتند.

بین معاهده گندمک و توافقنامه امنیتی رژیم پوشالی دست نشانده امپریالیزم امریکا (روی این توافقنامه بعداً صحبت خواهیم نمود) تشابهات بسیاری وجود دارد. تفاوتی که میان آنها به چشم می خورد این است که محمد یعقوب خان نماینده انگلیس را با یک دسته نظامی انگلیسی در منزلش پذیرفته بود، اما رژیم پوشالی حضور نظامیان امپریالیزم یانکی را در پایگاه های نظامی متعدد و توأم با مصونیت قضائی پذیرفته است. همانطوری که محمد یعقوب خان تمام دروازه های کشور را به روی انگلیس ها باز گذاشت تا بدون درد سر و مشکل تراشی رفت و آمد و تجارت نمایند، به همان قسم رژیم پوشالی نه تنها تمام دروازه های کشور بلکه تمام میدان های هوایی کشور را با ۹ پایگاه نظامی در نه منطقه مهم و سوق الجبهشی کشور در اختیار امپریالیزم امریکا قرار داده و به آنها مصونیت قضایی عام و تام داده است که بر اساس آن هر جنایتی را که در داخل افغانستان مرتکب شوند از محاکمه و مجازات در افغانستان معاف اند.

و اما در مورد امضای توافقنامه دیورند در زمان امیر عبدالرحمان خان. امیر عبدالرحمان خان یک گام از امیر دوست محمد خان جلوتر گذاشت. او علاوه بر قبول معاهده پشاور، تمام ولایات مهم شرقی افغانستان را طبق معاهده دیورند در سال ۱۸۹۳ به دولت انگلیس تسلیم نمود.

او در ماده سوم معاهده دیورند تعهد سپرد که از دعوی افغانستان به تمام ولایات "سوات، باجور، چترال، ارنوی، ملک، وزیر و داور" گذشته است.

در ماده پنجم این معاهده، عبدالرحمان خان علاقه چمن و حقایبه سرکی تلری را به انگلیسها واگذار نمود. انگلیس ها توسط معاهده دیورند تمام سرحدات آزاد را از افغانستان جدا و بین خط دیورند و خط سرحد اداری یا سرحد محکوم محصور نمودند. امیر حبیب الله تمام تعهدات پدرش را با انگلیس ها "صمیمانه" رعایت نمود و یک گام برای استرداد استقلال افغانستان بر نداشت.

بعد از استرداد استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ و تحکیم مناسبات دوستانه بین دولت شوروی به رهبری لنین و دولت آلمانی در سال ۱۹۲۱، معاهده ای میان دو طرف به امضا

رسید که در آن ذکر گردیده بود: طرفین متعهد به عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر اند. این موافقتنامه تا زمان کودتای سپاه هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی دارای اعتبار بود.

رژیم کودتای ۷ ثوری در ظرف ۴۵ روز ۱۳ قرار داد و توافقنامه با سوسیال امپریالیزم شوروی بست. از آن جمله یکی در مورد توافقنامه ۱۹۲۱ بود که اصل "عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر" در آن تغییر نمود. در توافقنامه جدید گفته شد که: هر گاه هر یک از دولتین منافع خود را در کشور دوست به خطر ببیند می تواند از منافع خود دفاع نماید.

این قرار داد زمینه تجاوز و لشکر کشی سوسیال امپریالیزم به افغانستان را مساعد ساخت که در ۶ جدی ۱۳۵۸ افغانستان را تسخیر و به مستعمره خویش تبدیل نمود.

به این ترتیب، تاریخ افغانستان از سال ۱۸۳۸ تا کنون شاهد قرار دادها، عهدنامه ها و موافقتنامه های امنیتی ظالمانه و خائنانه بین امپریالیست های تجاوزگر و دولت های دست نشانده و میهن فروش بوده وهست. از جمله این موافقتنامه های خائنانه یکی هم موافقتنامه امنیتی بین رژیم پویشالی دست نشانده و امپریالیزم امریکا است که توسط سفیر امریکا و جنایتکار سرشناس سابقاً پرچمی ( حنیف اتمر ) به امضا رسیده است.

این موافقتنامه ۲۸ صفحه می باشد. اگر بخواهیم تمام این موافقتنامه را مورد ارزیابی قرار دهیم

حداقل نیازمند صد صفحه خواهد بود. در این جا مختصراً چند ماده آن را به ارزیابی میگیریم:

در این موافقتنامه، خواست های امپریالیست های امریکایی اینگونه قید گردیده است:

« ماده هفتم. ۲ - براساس این قرارداد، نیروهای ایالات متحده، بدینوسیله از سوی افغانستان اجازه می یابند تا در داخل تأسیسات و ساحات توافق شده از تمامی حقوق و صلاحیت های مربوط به استفاده، فعال سازی، دفاع و یا کنترل این تأسیسات، بشمول حق تعمیر و ایجاد ساختمان های جدید برخوردار باشند. نیروهای ایالات متحده میتوانند فعالیت های مربوط امور تعمیراتی را به وسیله افراد نظامی یا بخش ملکی شان و یا از طریق قراردادی انجام دهند. ۳ - بدین وسیله، نیروهای ایالات متحده از سوی افغانستان اجازه می یابند تا به دلایل امنیتی و تامین مصئونیت شان، دخول به تأسیسات و ساحاتی را که برای استفاده اختصاصی این نیروها فراهم شده است، کنترل نمایند. ۴ - به منظور تحقق اهداف و ابعاد این قرارداد و به ویژه تحقق مساعی ایالات متحده به منظور آموزش، مشورت، تجهیز و تقویت پایدار نیروهای دفاعی و امنیتی ملی افغان، افغانستان تمامی تأسیسات و ساحات توافق شده را بدون دریافت محصول به دسترس نیروهای ایالات متحده قرار میدهد. ماده هشتم. ۳ - نیروهای ایالات متحده و قراردادی های آنها حق مالکیت بر تمامی تجهیزات، مواد، اکمالات، ساختمان های منقول و سایر دارائی های منقولی را دارند

که این نیروها و قراردادی‌های آنها به خاطر حضور در قلمرو افغانستان نصب، وارد و یا آن را تأمین کرده اند. طرفین در مورد تحویل ممکنه و یا خریداری تجهیزات اضافی توسط افغانستان طوری که قوانین و مقررات ایالات متحده اجازه می دهد، با هم مشورت می کنند. ماده نهم: جابجایی و ذخیره وسایل و تجهیزات. ۳ - افغانستان به نیروهای ایالات متحده اجازه میدهد تا وسایل، تجهیزات و اکمالات خویش را در داخل تأسیسات و ساحات توافق شده و دیگر محلات مورد توافق طرفین، جابجا کنند. نیروهای ایالات متحده حق مالکیت و کنترل بر استفاده و تعبیه وسایل، اکمالات و تجهیزاتی ذخیره شده در قلمرو افغانستان را داشته و نیز حق دارند این وسایل را از قلمرو افغانستان خارج کنند.

ماده دهم. ۲ - با حفظ کامل حق حاکمیت خویش، افغانستان طرزالعمل‌هایی را برای تنظیم مسایل مربوط به اجازه دخول، خروج، عبور از فضا، سوخت گیری هوایی، نشست و برخاست طیاره‌های حکومت ایالات متحده و طیاره های غیر نظامی که توسط این نیروها و یا برای استفاده اختصاصی آنها فعالیت می نمایند، طبق اهداف و احکام این قرارداد، طرح و ترتیب میکند. طیاره های حکومت ایالات متحده و طیاره های غیر نظامی که توسط نیروهای ایالات متحده و یا برای استفاده اختصاصی آنها فعالیت میکنند، تابع پرداخت حق العبور یا اجرت و سایر محصولات به خاطر نشست و یا توقف در میدان های هوایی حکومتی افغانستان نمی باشند. طیاره های حکومت ایالات متحده با رعایت کامل مقررات مربوط به مصئونیت و گشت و گذار در افغانستان بشمول رعایت مقررات اطلاع قبلی، فعالیت میکنند. ۳ - با حفظ کامل حق حاکمیت خویش و در مطابقت با اهداف و ابعاد این قرارداد، افغانستان به کشتی ها و وسایط حکومت ایالات متحده و سایر کشتی ها و وسایطی که توسط نیرو های ایالات متحده و یا برای استفاده اختصاصی این نیروها فعالیت میکنند، اجازه ورود، خروج و فعالیت در داخل خاک افغانستان را میدهد. تمامی این کشتی ها و وسایط با رعایت کامل مقررات مصئونیت و گشت و گذار در افغانستان فعالیت می کنند. ۴ - سوار شدن بر طیاره ها، کشتی ها و وسایط حکومت ایالات متحده بدون موافقت مقامات این نیروها ممنوع می باشد. طیاره ها، کشتی ها و وسایط حکومت ایالات متحده در داخل افغانستان از هرگونه تفتیش، انتظام و یا ثبت و راجستر معاف می باشند.

ماده یازدهم طرزالعمل عقد قراردادها ۱ - نیروهای ایالات متحده میتوانند مطابق قوانین نافذ آمریکا به هدف دریافت مواد و خدمات به شمول کارهای ساختمانی در قلمرو افغانستان به عقد قرارداد بپردازند. افغانستان می پذیرد که نیروهای ایالات متحده در امور مربوط به چگونگی درخواست، اعطا و مدیریت این قرارداد ها، مکلف به رعایت قوانین و مقررات کشور خود شان می باشند. نیروهای ایالات متحده سعی میکنند تا حد امکان از شرکت های افغان برای ارائه اموال، محصولات و خدمات مورد نیاز، مطابق قوانین و مقررات ایالات متحده استفاده کنند.

ماده دوازدهم تامینات و مخابرات. ۱ - نیروهای ایالات متحده میتوانند نیازمندی های

شامل، و نه محدود به، آب، برق و سایر ضروریات خویش را در ساحات و تاسیسات توافق شده و دیگر محلات توافق طرفین تولید و فراهم نمایند.

۲- افغانستان می پذیرد که نیروهای ایالات متحده نیاز به استفاده از فریکانس های رادیویی در افغانستان دارد. جانب افغان فریکانس های متعلق به خود را طبق مقررات افغانستان در دسترس این نیروها قرار میدهد. ایالات متحده اجازه دارد تا از سیستم های مخابراتی امریکائی طبق تعریف مخابرات در «اساسنامه اتحادیه بین المللی مخابرات» منعقد سال ۱۹۹۲ استفاده نماید. این اجازه همچنان شامل استفاده از وسایل و خدمات مورد نیاز فعالیت درست سیستم های مخابراتی و فریکانس های رادیویی میشود که از جانب مقامات ذیربط افغانستان به این هدف فراهم می گردد. استفاده از این فریکانس های رادیویی برای ایالات متحده رایگان می باشد.

ماده سیزدهم جایگاه حقوقی پرسنل. ۱- افغانستان، با حفظ حق حاکمیت خویش میپذیرد که کنترل انضباطی به شمول اتخاذ تدابیر جزایی و غیر جزایی از جانب مقامات نیروهای ایالات متحده بر اعضای نظامی و بخش ملکی آن اهمیت به سزا دارد. بنابراین افغانستان توافق می کند که ایالات متحده تعمیل صلاحیت قضایی در رسیدگی به تخطی های جنایی و مدنی چنین افراد در قلمرو افغانستان را حق اختصاصی خود می داند. افغانستان به ایالات متحده اجازه میدهد تا محاکمات قضایی و سایر اقدامات دسپلینی مربوط به این قضایا را، عندالضرورت در قلمرو افغانستان انجام می دهد.

ماده پانزدهم ورود و خروج: ۱- اعضای نیروهای نظامی و بخش ملکی آن میتوانند به شکل انفرادی یا گروهی به ساحات و تاسیسات توافق شده ای مندرج ضمیمه (الف) از طریق محل های رسمی مخصوص ورود و خروج مندرج ضمیمه (ب) یا سایر محلات مورد توافق طرفین، با کارت های هویتی که از جانب ایالات متحده صادر گردیده، داخل و یا خارج شوند. برای چنین ورود و خروجی، به پاسپورت و ویزا نیاز نیست. این افراد از قوانین و مقررات افغانستان راجع به ثبت و کنترل اتباع خارجی معاف می باشند.

ماده شانزدهم: واردات و صادرات: ۱- نیرو های ایالات متحده و قراردادی های آنان می توانند هر نوع تجهیزات، اکمالات، اجناس، تکنالوجی، آموزش و سایر خدمات را به افغانستان وارد، صادر، صدور مجدد، انتقال و یا مورد استفاده قرار دهند. حکم مندرج این فقره شامل حال آنچه از فعالیت های قراردادی ها که ارتباطی با حضور نیروهای ایالات متحده در افغانستان ندارند، نمی شود. استفاده از این تجهیزات، اکمالات، اجناس، تکنالوجی، آموزش و سایر خدمات از سوی نیروهای ایالات متحده و یا برای آنها، مستلزم ارائه اسنادی است که نشان دهند این تجهیزات و خدمات برای اهداف یاد شده بوده و برای اهداف خصوصی تجاری مورد استفاده قرار نمی گیرند.

4- توريد، صدور، صدور مجدد، انتقال و استفاده از اشیایی که به تاسی از فقره های ۱ و

۲ این ماده به افغانستان آورده می شود تابع تعزیرات مانند اخذ جواز، بازرسی، پرداخت مالیات و سایر عوارض گمرکی و محصولی نمی گردد که از جانب حکومت افغانستان در قلمرو این کشور وضع شده است.

ماده هفدهم: وضع مالیات. ۱ - دریافت اموال و خدمات از سوی نیروهای ایالات متحده و یا به نمایندگی از این نیروها تابع مالیات یا محصولات مشابه و یا مرتبط دیگری که در قلمرو افغانستان قابل تطبیق است، نمی گردد. ۲ - نیروهای ایالات متحده به شمول اعضای نظامی و بخش ملکی آن، مکلف به پرداخت هیچگونه مالیه و یا محصولات مشابه یا مرتبط دیگری که از جانب دولت افغانستان در قلمرو این کشور قابل تطبیق است، نمی باشند. ۳ - قراردادی های ایالات متحده مکلف به پرداخت مالیه یا سایر محصولات مشابه و یا مرتبط دیگر از فعالیت ها و عواید ناشی از کار با نیروهای ایالات متحده یا به نمایندگی از این نیروها که طبق قرارداد اصلی و فرعی یا به حمایت این نیروها در قلمرو افغانستان انجام می شود، نیستند. ۵ - کارمندان قراردادی ایالات متحده که در افغانستان به گونه عادی اقامت ندارند و نیز کارمندانی که تابعیت افغانستان را ندارند، تابع پرداخت هیچ گونه مالیه یا محصول مشابه دیگر از فعالیت ها و عواید ناشی از قرارداد اصلی و فرعی با نیروهای ایالات متحده، نمی باشند.

ماده هجدهم رانندگی و جوازهای مسلکی. ۱ - جواز رانندگی و سایر جواز هایی که از سوی ادارات ذیصلاح ایالات متحده به اعضای نیروهای نظامی و بخش ملکی آن، قراردادی های ایالات متحده و کارمندان قراردادی آنها به منظور استفاده از وسایط، کشتی و طیاره در قلمرو افغانستان صادر شده است، بدون اخذ امتحان یا حق الاجرت در افغانستان قابل اعتبار است.

2 - افغانستان تمامی جوازهای مسلکی را که ادارات ذیصلاح ایالات متحده به اعضای نیروهای نظامی یا بخش ملکی آن، قراردادی های ایالات متحده یا کارمندان قراردادی آنها به هدف انجام وظایف رسمی یا قراردادی صادر کرده اند، قابل اعتبار میداند.

ماده نوزدهم وسایط نقلیه: افغانستان اسناد و جوازسیری را که از جانب مقامات نیروهای ایالات متحده به وسایط رسمی این نیروها صادر شده است، قابل اعتبار میداند. بر حسب درخواست مسئولین نیروهای ایالات متحده، مقامات ذیصلاح افغان بدون دریافت هیچگونه محصولی، برای وسایط رسمی و غیر تکتیکی این نیروها، نمبر پلیت صادر میکنند. وسایط نقلیه رسمی و غیر تکتیکی نیروهای ایالات متحده مزین با نمبر پلیت های رسمی می باشد که از جانب افغانستان صادر شده و با سایر نمبر پلیت های افغانستان تفاوتی ندارد.

ماده بیستم فعالیت های حمایت نیرو: ۶ - بسته های پستی که از طریق سیستم خدمات پستی اردوی ایالات متحده انتقال داده می شوند، از بازرسی، جستجو و ضبط توسط مقامات افغان، معاف می باشند. در آخر قرار داد چنین قید گردیده:

« بر اساس این قرارداد، آمریکا حداقل پنج پایگاه نظامی دائم در ولایت‌های شیندند، شورابک، قندهار، بگرام و خوست افغانستان ایجاد خواهد کرد و مجاز خواهد بود پایگاه‌های دائمی و موقت یا عملیاتی دیگری را در هر نقطه از افغانستان که صلاح بداند، ایجاد کند و بدین منظور در استفاده از هرگونه امکانات در افغانستان، آزاد خواهد بود.»

وقتی به متن توأف‌نامه امنیتی رژیم پوشالی با باداران یانکی آن نظر می‌اندازیم یاد و خاطره عهد نامه‌های انگلیس که با زور سر نیزه با جیره خوارانش همچو شاه شجاع، یعقوب خان و عبد الرحمن بسته بود در ذهن انسان تداعی می‌گردد.

اگر از یک طرف امپریالیزم آمریکا از لحاظ استراتژیک به ایجاد پایگاه‌های دایمی و حضور دراز مدت در افغانستان نیازمند است، اما از طرف دیگر این وضع ناشی از وجود منابع سرشار طبیعی در افغانستان به عنوان حوزه نفوذ آمریکا و صدور سرمایه و مهمتر از همه موقعیت استراتژیک افغانستان به عنوان معبری به سوی ذخایر عظیم مواد خام طبیعی و بازار آسیای میانه می‌باشد.

نیروهای ارتجاعی و میهن فروش، تسلیم شده‌ها، تسلیم طلبان و قلم بدستان جیره خوار مدعی اند که حضور دایمی نیروهای نظامی آمریکا به سود مردم افغانستان است. این‌ها مدعی اند که از این طریق می‌توان دموکراسی، عدالت اجتماعی، امنیت و صلح را تأمین نمود؟! و یا حداقل از درد و رنج و مصائب مردم افغانستان کاست! در حالیکه مسبب اصلی تمام درد و رنج، ناامنی و مصائب برای مردم افغانستان حضور نظامی اشغالگران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده‌شان است. میهن فروشان تداوم حاکمیت و بقای خویش را در حضور نظامی باداران خویش می‌بینند و به این طریق مردم را از عقوبت کاری می‌ترسانند که خود مسبب آن هستند.

رژیم پوشالی بدون چتر حمایتی باداران خود، حتی قادر نیستند که برای مدت کوتاهی اتحادشان را حفظ کنند، چه رسد به حفظ و بقای خویش. بناءً رژیم پوشالی همانند دیگر امرای میهن فروش و خود فروخته بخاطر حفظ موقعیت خویش نیازمند چنین توأف‌نامه امنیتی با اشغالگران امریکایی و ناتو می‌باشند.

توأف‌نامه امنیتی با اشغالگران امریکایی و ناتو ستم امپریالیستی را دوبرابر خواهد نمود و درد و مصیبت جنگ تحمیلی را نیز چندین برابر خواهد کرد. ما باید درس‌های جنگ مقاومت علیه اشغالگران سوسیال امپریالیست و استعمارگران انگلیسی را بصورت درست و اصولی آن‌ها فرا گرفته و بکار بندیم و برای برپایی و پیشبرد یک مقاومت ملی مردمی و انقلابی آمادگی بگیریم، در غیر اینصورت چه حالت اشغال دوام یابد و چه سلطه امپریالیستی در کشور به حالت نیمه مستعمره درآید مشکلات، درد و مصیبت مردمان کشور در اساس به حال خود باقی می‌ماند.



## اشعار و مقالات محفل اول:

گور خونین شهیدان به تو آواز دهد

شعله ای را که فروزان شده خاموش مکن

ما به امید وفای تو گذشتیم زجان

رفتگان را مبر از یاد و فراموش مکن

حضار نهایت گرامی، مهمانان عزیز و حاضرین در تالارا!

نخست از همه تشریف آوری شما را در محفل تجلیل از سالروز جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان خیر مقدم میگویم و امید وارم تا آخر محفل ما را همراهی نمائید.

کمیته بر گزاری هفت قوس یکبار دیگر سالروز جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان را در هفت قوس امسال تجلیل می نماید تا از یکطرف همصدا با توده های ستمدیده کشور جنابایات مزدوران سوسیال امپریالیزم را تقبیح نماید و از سوی دیگر با سرمشق گرفتن از فداکاری ها و تجارب مثبت و منفی جانبختگان پیشگام ما و با تعهد مجدد به آرمان های آنها و در پیشاپیش شان استاد اکرم یاری، راه شان را ادامه دهیم و میراثدار خط شان باشیم.

ما در این روز یکبار دیگر یاد آوری می نماییم که جانبختگان پیشگام ما و در راس آنها استاد اکرم یاری، در مبارزه علیه سوسیال امپریالیست های اشغالگر و مزدوران جنایتکار شان با استواری ایستادند و فداکارانه جان باختند. آنها با جان نثاری شان به ما درس استواری و فدا کاری آموختند. ما از آنها آموختیم که در مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع و بطور عمده اشغالگران امپریالیست و رژیم پویشالی دست نشانده شان، قاطعانه بایستیم، از قربانی و فدا کاری نهراسیم و با تحمل تمامی سختی های راه مبارزه، به پیش حرکت نماییم.

کمیتة برگزاری ۷ قوس رسالت تاریخی خود میداند که همانند ۷ قوس سال ۱۳۹۲ خورشیدی در ۷ قوس امسال نیز مبارزة اصولی و ضروری را علیه تمامی تسلیم شدگان و تسلیم طلبانی پیش ببرد که خون جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین را وجه المصالحة خیانت های شان قرار می دهند تا از این طریق بر گوشه ای از تخت پر خون خیانت ملی تکیه زنند.

بیاید تا درد جانکاه از دست دادن پیش قراولان جنبش دموکراتیک نوین کشور همچون

استاد اکرم یاری، مجید کلکانی، عبدالاله رستاخیز، سیدال، بهمن و هزاران کادر برجسته و مبارز جانباخته جنبش دموکراتیک نوین را با حرکت استوار و متحدانه در راه انقلابی شان به انرژی مبارزاتی تبدیل نماییم!

از تمامی شما عزیزان تقاضا می‌کنیم تا به احترام خون جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان که شجاعانه علیه سوسیال امپریالیزم شوروی و مزدورانش و همچنان سایر امپریالیست‌ها و مرتجعین رزمیدند و درین راه جان‌های شیرین شان را قربانی کردند، به پا خاسته و یک دقیقه سکوت اختیار کنید.



سپاس فراوان

غم مرگ عزیزانِ ب خاک افتاده سنگین است  
 دل یاران به سوگ رفتگان رنجور و غمگین است  
 ولی نبود غم و اندوه علاجِ رنج و دردِ ما  
 مداوا بهر دردِ ما بود عزمِ نبردِ ما  
 ز خصمِ دد منش جز قتل و غارتِ انتظاری نیست  
 به جنگِ ما بجز فتح و فنا دیگر شعاری نیست  
 درین پیکار خشم‌آگین، سرِ دشمن به سنگِ کین  
 بکوبیم یا که او سازد تنِ ما را به دار آزین  
 هزاران مانده از این ره، هزارانِ دیگر پایند  
 هزاران رفته در این ره هزارانِ دیگر آیند  
 مسیرِ شهرِ آزادی دراز است پیچ و خم دارد  
 سرودِ رهنوردانش خوش آوا زیر و بم دارد  
 هزاران جانفدا باید تیار از بهر قربانی  
 که رزمِ انقلابست این نه بزمِ عیش و مهمانی

درد پدیده ایست، گذرا  
 اما ننگ، داغیست که بجا می ماند  
 درد شکنجه، دردیست قابل تحمل  
 که اگر به آن نیندیشی، حتی احساس نخواهی کرد  
 درد خیانت، ننگی است جاودانه  
 پس، ما شکنجه دشمن را بجان خریداریم  
 چرا که فولاد اراده را آبدیده تر  
 و ایمان به هدف را راسختر می کند

\*\*\*\*\*

زیر زنجیر، ای مبارز خلق  
 زورِ نشکستنی بده تو نشان  
 در وفا ایستاده باش و ازین  
 دشمنان را به حال بد بنشان  
 گرتنت را کنند پاره به تیغ  
 با تبسم تو پاره کن دلِ شان  
 فتح با توسل زانکه حق با توسل  
 شعله روح را فرو منشان

\*\*\*\*\*

## یاد شهدای گلگون کفن راه آزادی و استقلال وطن گرامی باد!

گرگ ها خوب بدانند که درین ایل غریب

گرپدر رفت ، سلاح پدری هست هنوز

گرچه مردان قبیله همه گی کشته شدند

توی گهواره چوبی طفلکی هست هنوز

تاریخ کشور ما تاریخ قهرمانان و رزمندگان دلیری است که در راه آرمان مردم زحمتکش اینار و فداکاری های بی نظیر نموده و نام شان را در تاریخ افغانستان حک کرده اند. دهه چهل خورشیدی رزمندگان دلیر و شجاعی را بوجود آورد که توانستند خط فاصل دقیقی بین انقلاب و ضد انقلاب بکشند. در پیشاپیش این قافله سالاران، استاد زنده یاد اکرم یاری قرار داشت. این قهرمان انقلابی مایه افتخار کشور است و ما به رهروی و ادامه پیشروی در راه وی افتخار می کنیم. ما روز جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان را تجلیل می نماییم تا یاد فداکاری های استاد زنده یاد اکرم یاری و جانباختگان دیگر این جنبش را زنده نگه داریم و تعهد به راهپیمایی در راهی را که با خون آنها رنگین گردیده است، یکبار دیگر تجدید کنیم.

گرچه جنایت و بربریت باند خود فروخته خلق و پرچم و اربابان سوسیال امپریالیست شان تعداد زیادی از پیشگامان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان را به کام مرگ فرود برد، اما تاریخ گواه است که پیشگامان جانباخته ما راه درست و اصولی را برگزیده بودند. راهی که درست و اصولی باشد هیچگاه از بین رفتنی نیست، اما می تواند افت داشته باشد، ولی دوباره با صدای رساتر سربلند می کند. ما امروز شاهد این مدعا هستیم. این صدا، ادامه صدای رزمندگان و انقلابیون دهه چهل خورشیدی است که با صدای بلند فریاد می کشد :

خاک بر سر کن که آب رفته باز آمد بجو

دشمن آتش بجان و باد پیما را بگو

هفتم قوس روزی است که میتوان به عنوان یک حقیقت تاریخی از آن آموخت و میتوان از آن درسهایی برای نسل های آینده به یادگار گذاشت! این رسالت ماست که برای تحقق آرمان والای انسانی تلاش نماییم. این رسالت ماست که برای نسل های آینده آنچه از گذشته گان مان به ارث رسیده است به ارث بگذاریم و نسلی را تربیت نماییم که آزادیخواه و استقلال طلب باشد نه بنده و اسیر! نه مزدور و بی اراده و میهن فروش...

بله! هموطن!

من و تو از تبار بی کسانیم

درین غوغا چه کس را کس بدانیم؟

کسی نشنیده فریاد کمک را

کمک کن، تا برای هم بمانیم

مرگ استاد زنده یاد اکرم یاری و رفقای همزمزم او به ما درس ایثار و فداکاری می آموزد و راه انقلاب و ضد انقلاب را برای ما نشان می دهد و به ما می آموزاند تا یاد و خاطره آنان را که صادقانه و آگاهانه زیستند همیشه زنده و جاودان نگهداریم.

استاد زنده یاد اکرم یاری و رفقای همزمزمش قربانی شدند، اما یاد و خاطره شان در اذ هان توده های زحمتکش جاودانه باقی ماند. رسالت ماست که در جای قدمهای پاک شان پای بگذاریم و درفش پاک و صداقتی را که آنها در دست داشتند برافراشته نگه داریم و با جدیت در راه پر خم و پیچ مبارزات انقلابی شرافتمندانه به پیش رویم. ما باید خاطرات این مردان تاریخی را نسل اندر نسل با خود داشته باشیم و آنرا سرمشق روزگار خود و دیگران قرار دهیم.

یاد شهدای گلگون کفن راه آزادی و استقلال وطن گرامی باد!

## سرود آزادی و آزادگی

روز ۷ قوس روز از خود گذشتگی، فدا کاری و ایثار یاری ها، رستاخیزها، کارمندها، کریم ها، بهمن ها، سیدال ها و هزاران جانباخته گم نام سزمین ما است که خون های خود را در راه آرمان زحمتکشان ریختند، تا قلمرو خود را از تاراج و غارت نجات دهند و از منافع خلق دربند کشیده کشور دفاع نمایند. باید همیشه پایداری درست و اصولی گذشتگان را ستود و راه شان را سرمشق خود قرار داد. باری آزادی بدون پیشبرد راه درست و اصولی انقلابی بدست نمی آید. آنها ئیکه در این راه رزمیدند، سر را در کف دست نهاده و جان های خود را فدا ساختند برای ما هم قابل قدر است و هم سرمشق مبارزه. باید به پایداری، ایثار و فدا کاری شان ارج نهاد و راه شان را از دل و جان دنبال نمود.

جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور روز و شب در سرما و گرما با افعی صفتان پیکار نمودند، جانانه مبارزه شان را پیش بردند و هیچگونه هراس و تردیدی برای یک لحظه به خود راه ندادند، تا وطن را از دستبرد و تاراج اشغالگران و وحشی های جنون زده و دشمنان آزادی و افعی های سیاه آزاد سازند. پس باید راهشان را ادامه داد. ادامه راه شان در تداوم مبارزه درست و اصولی راه شان است.

در دنیا لذت ها و نعمت های فراوانی وجود دارد که انسان برای بدست آوردن آن کار و پیکار می نماید، اما آزادی زیباترین و خجسته ترین نعمت ها است. باید برای بدست آوردن آن تا پای جان مبارزه کرد، زیرا بدون آزادی و استقلال به هیچ نعمتی نمی توان دست یافت. شاعر میهن ما صوفی عبدالخالق بیتاب با بیان ساده و صمیمی استقلال و آزادی را چنین به تصویر می کشد:

نعمتی بهتر ز استقلال نیست      حاجتی بسیار قیل و قال نیست

در فرهنگ غرور آفرین و شکوهمند ما نیز بخش بزرگی به آزادی اختصاص یافته است. بسیاری از شاعران و فرهنگیان غنا مند دری از آزادی و آزادگی سخن گفته اند :

بی بردگی اگر بمالد گوشم      آزادگی را به بندگی نفروشم

باری آزادی همیشه واژه مقدسی بوده در همه سرزمین ها و قلمروها و بسیاری از ملت ها در این راه پیکارهای خونین کرده اند و به پیشواز مرگ رفته اند. واژه آزادی در همه فرهنگ های مردمی درخشندگی خاصی دارد. یاد جانبازان و پیشگامان جامعه ما چون یاری ها و رستاخیزها و هزاران شهید گمنام وطن که در این راه خون های خود را ریختند و جاده ها، کوه ها، جنگل ها را از خون خود رنگین نمودند گرامی و راه شان پر رهرو باد. این قهرمانان بزرگ که سربازان راه انقلاب بودند، افتخار راستین را سزاوار اند. آنها راه

با شکوه ترین حماسه ها را به مردم نشان دادند و آنها را به تکاپو، پیکار و مبارزه فرا می خواندند.

بدست آوردن استقلال و آزادی کار و پیکار دامنه دار می خواهد. زندگانی مبارزاتی را باید نفس آدمی گرم نگهدارد، و گر نه این کوره خاموش می شود و خاموشی گناه است. گناه من، گناه تو و گناه همه انسان های آگاه جامعه که یا در این راه حرکت نمی کنند و یا اگر حرکتی دارند سببلیک است. مبارزه قربانی می خواهد، شجاعت، متانت و پشتکار می خواهد. در مسئله مبارزه همبستگی و اتحاد را برای یک لحظه نباید از خاطر دور داشت، برای اتحاد در قدم اول تعیین خط و مرزها ضروری است و نباید آنرا فراموش نمود.

شرایط جامعه ما نیازمند اتحاد و مبارزه علیه اشغالگران و تمامی میهن فروشان و منحرفین می باشد. زمان آگاهترین داور است، قضاوت زمانه عادلانه است و زمان خطا کار نیست. تاریخ همیشه افراد و گروه های ارتجاعی و ضد مردمی را به دیار نابودی فرستاده است.

استعمار به وسیله ابتذال فرهنگی به جدال فرهنگ های ملی و مترقی بر می خیزد و می خواهد که این سنگر را تصرف نماید. به همین ملحوظ به تهاجم فرهنگی می پردازد و زمانی که یک کشور را از فرهنگ ملی و توده ئی محروم نمود به آسانی به امیال شومش می رسد.

امپریالیزم همیشه دم از حقوق بشر می زند، اما در عمل خون انسان های ستمدیده را به گفته کارو «قدح پشت قدح نوش می نماید». اما در فرهنگ ارتجاعی که بر بنیاد من های فردی استوار است، بر ناتوانی فرد اصرار ورزیده می شود و کیش شخصیت پرستی و آئین فرد گرایی اشاعه می یابد، این عمل بگونه آگاهانه انجام می پذیرد، تا بتوانند بر آنها نیکه کار می کنند و زحمت می کشند، سیادت و حکمفرمائی کنند و چنین وانمود کنند که آنها سر رشته دیگری دارند و از ازل آقا و سرور در روی زمین زاده شده اند. با این پندار تب آلوده ارتجاعی و بی بنیاد همیشه می خواهند از توده ها فاصله و فرق داشته باشند و خود آرائی و خود پرستی نمایند.

نیروی های انقلابی و توده های زحمتکش جامعه با صدای رسا می گویند که مالک حقیقی کشور ما هستیم، مبارزات آزادیبخش ما جلو تان را سد می کند و با صدای رسا می خوانیم سرود آزادی و آزادگی را.

مرگ بر اشغالگران و مزدوران بی همه چیزشان!

با دوام باد راه استاد اکرم یاری و رفقای همزمش!

در وسط برنامه گروه رزمی کاران کیوکوشین کای کاراته ماتسوشیما هنرهای رزمی شان را برای حاضرین در تالار به نمایش گذاشتند که نمادی از قدرت و شکوه هنرهای رزمی بود و قدرت و خشم و انزجار آنان را در دفاع از خون جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور را رقم میزد. این نمایشات حدود ده دقیقه را در بر گرفت.

\*\*\*\*\*

من خواب بی تعبیرم و تعبیر کارم نیست

سازنده ی تقدیرم و تقدیر کارم نیست

حالا اگر تو خشت در دیوارِ تزویری

سر تا بپا تقصیرم و تقصیر کارم نیست

شاید به زعم تو، تاسف بار و درد آور

ویرانگری ها می کنم، تعمیر کارم نیست

ویرانگرم، ویرانگرِ دیوار های ظلم

ترویج آزادی کنم تزویر کارم نیست

من دوست دارم بگسلانم هرچه زنجیر است

تو بوسه کن، من بوسه بر زنجیر کارم نیست

توجیه کن هر وقت کار نا درستت را

من در پی تغییرم و تفسیر کارم نیست

\*\*\*\*\*



## هفتم قوس، ناقوس مرگ اشغالگران و سفاکان خون آشام شان!

من از دهلیز مرگ آهنین دژ ستمکاران

شکستم این سکوت تلخ تا بار دگر خوانم

که مرگ ما پر قو نیست

کوه است و گران سنگ است

با سلام و احترام به همه حاضرین در تالارا!

صحبتم را با دروذهای فراوان به تمامی جانبختگان راه آزادی و استقلال کشورم آغاز می‌کنم.

در ادوار مختلف تاریخ کشورما، همراه با تغییر شرایط زندگی سیاسی ناشی از استیلای متجاوزین و اشغالگران و در دوره هر یک از حاکمیت‌های دست‌نشانده، مستبد و خونخوار، از یکجانب برای مردان انقلابی و قهرمانان شجاع جامعه ما مسائل خاصی اهمیت پیدا کرده و از جانب دیگر انقلابیون و اندیشمندان مردمی در مرکز توجه متجاوزین، اشغالگران و حکومت‌های دست‌نشانده و خودکامه قرار گرفته‌اند و به شکل بیرحمانه و خونین سرکوب شده‌اند که تاریخ خونبار کشور ما گواه این مدعا است.

و اما انقلابیون باز تاب دهنده واقیعت‌های جامعه بوده و چهره پلید و خائنانه رژیم‌های ارتجاعی و میهن‌فروش و متجاوزین و اشغالگران استعمارگر و امپریالیست را به توده‌های ستمدیده افشا نموده و آنها را دعوت به مبارزه و پیکار علیه نظامهای استعمارگر و ستمگر نموده‌اند. انقلابیون به توده‌ها آموزش داده‌اند که هیچگاه ستم بر آنان از میان نمی‌رود مگر اینکه آنها علیه ستم به مبارزه برخیزند و خودشان بادیست خود سرنوشت خود را رقم بزنند.

اکرم یاری و رفقای هم‌زمین از همین رادمردان اسطوره ساز این سرزمین بوده‌اند. آنها در طول حیات پربار شان علیه بی‌عدالتی بپا خاسته و منحیت رهبران و پیشگامان نهضت آزادی عرض اندام نمودند. اما دردا و حسرتا که دست بیدادگران تاریخ و غداران روزگار مجال بیشتری به آنان نداد و آنان را به قربانگاه کشانید.

تاریخ دقیق شهادت اکرم یاری و رفقای هم‌زمین او از سه دهه بدین سوی ناشناخته و در آرشیوهای حکومت‌های مستبد و خون‌آشام نگه‌داری شده بود، تا اینکه سال گذشته لیست ۵۰۰۰ نفری از جانبختگان کشور از طرف پولیس و مقامات قضائی کشور هالند به

نشر رسید. پولیس هالند در سال ۲۰۱۰ تحقیقی را زیر نظر و رهبری یکی از خائرنوالان لوی خائرنوالی هالند درباره شخصی به نام «امان‌الله» آغاز کرد. این شخص که به ارتکاب جنایات علیه بشریت در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۸ در افغانستان متهم بود و از دولت هالند تقاضای پاهندگی کرده بود، در جریان تحقیقات لیست متذکره را به مقامات دولتی هالند تسلیم کرده بود.

ولی دیری نیابید که این لیست همگانی شد و در سراسر افغانستان پخش گردید. حتی تعدادی از تسلیم شدگان و تسلیم طلبان قبلاً مربوط به جنبش دموکراتیک نوین افغانستان که مدعی بودند رژیم فاسد و دست نشانده کنونی می‌تواند جنایتکاران خون آشامی را که دست شان به خون ملت آغشته است به پای میز محاکمه بکشاند، حرکت ها و فعالیت‌هایی را براه انداختند. اما این حرکت و فعالیت‌ها همگی به ناکامی انجامید.

دلیل این ناکامی بسیار واضح و روشن است، در کشوری که وطنفروشی، خیانت به منافع ملی و استثمار طبقات و افسار پابین جامعه جزء ذات و سرشت حاکمان خاین و فرومایه آن است، عدم تعادل اجتماعی روز به روز زیادتر میشود، به نحوی که اکثریت فقیر فقیر تر و وسیعتر و اقلیت ثروتمند ثروتمندتر و معدود تر می‌گردد. درد، رنج، محرومیت، عدم اشتغال، مهاجرت، آوارگی، بیخانمانی، گرسنگی، بیماری، اعتیاد و هزاران هزار فلاکت اسفناک اجتماعی دیگر دمار از روزگار هموطنان تحت استثمار، ستمدیده و فقیر ما در آورده است، قطعاً نمیتوان از جنایتکاران، وطنفروشان و غارتگرانی که به جز منافع خود و اربابان اشغالگرشان به هیچ چیز دیگری فکر نمی‌کنند، توقع داشت که جنایتکاران دیگر را به پای میز محاکمه بکشاند و نمی‌کشاند. آنها پیشاپیش و باربار جنایتکاران دیروزی را مورد عفو عمومی قرار داده اند.

بهنتر است بر خویش سازیم اتکاء

اتکاء بر دیگران باشد خطا

در چنین جوی بود که قبل از ۷ قوس پارسال کمیته برگزاری ۷ قوس توسط عده ای از رهروان راه پیشگامان جانبخته جنبش دموکراتیک نوین افغانستان تشکیل گردید و این کمیته موفق شد که روز ۷ قوس را در نقاط مختلف کشور تجلیل نماید. اینک که در ۷ قوس امسال یکبار دیگر روز جانبختگان جنبش دموکراتیک کشور توسط کمیته برگزاری ۷ قوس تجلیل می‌گردد، امید است محافل یادبود جانبختگان پیشگام ما پر طنین تر از محافل پارسال باشد و پیام آن رساتر و بلند تر به گوش مردمان افغانستان و جهان برسد.

موفق و سرفراز باشید.

ما ییم لحظه لحظه یک داستان تازه  
 در خواب هم نداریم یک تکه نان تازه  
 از جوی خون ما و از جانفشانی ی ما  
 هر روز سبز گردد یک «قهرمان»؟ تازه  
 جاریست چانه بازی بر سرنوشتِ مردم  
 روپوش چانه بازی، هر گفتمان تازه  
 پاشیده بین ملت تخم نفاق و نفرت  
 جمعند «قهرمانان»؟ با «دوستان»؟ تازه  
 جمعند «قهرمانان»؟ بهر فروش میهن  
 لیلام گشته لیلام افغان ستان تازه  
 چون جیره هضم گردد محشر بپا نمایند  
 بادار می فرستد یک استخوان تازه  
 در خواب هم نبینیم یک تکه نان تازه  
 ما ییم خشت و سنگِ اپارتمان تازه  
 برماست تا بریزیم طرح جهان تازه  
 هم یک زمین تازه هم آسمان تازه  
 همسرنوشت برخیز تا دست ما بگردد  
 سازنده ی قشنگِ این داستان تازه

\*\*\*\*\*





یاری، خط گزار اصلی سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین و جانبختگان دیگری چون زنده یاد صادق یاری و داوود سرمد نیز به چشم می خورد.

رژیم با ریختن اشک تمساح و برگزاری فاتحه و عزای عمومی در تلاش به بیراهه کشانیدن این مساله در میان مردم بود. آنان خیانت ها و جنایات روزیونیست های خلقی و پرچمی را با تبلیغات بر علیه انقلابی ها و مبارزین راستین تبدیل نمودند و تا توانستند از خلقی ها و پرچمی ها به عنوان حمله بر نیروهای مترقی و مردمی سود جستند. جهادی های فعال در چارچوب رژیم، جنایات و ددمنشی های شان را که در دوران دولت اسلامی شان در کابل و سایر ولایات انجام داده بودند را به فراموشی سپردند و در نهایت وطنفروشی فعلی شان را که در خدمت اشغالگران امپریالیست می باشند را نیز بگونه ی به فراموشی سپردند. در واقع مبرهن بود که حرکت آغاز شده توسط سفارت هالند، رژیم پوشالی و سایر وابستگان شان چیز جز نادیده گرفتن حالت مستعمراتی فعلی کشور و درعین حال دادخواهی از اشغالگران و رژیم دست نشانده چیزی دیگری نمیتواند باشد. حرکت هایی از این گونه که از سوی رژیم، کمیسیون حقوق بشر مورد حمایت امپریالیست ها و یا هم از طرف خانواده های جانبختگان جنبش چپ کشور راه انداخته شد، یک حرکت تسلیم طلبانه بوده و خلاف اصول انقلابی جانبختگان بوده و می باشد. ما ضمن همدردی با خانواده های جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور، اعلام میداریم که پاسداری از آرمان و یاددهانی از جانبختگان، با احساسات و عواطف شخصی و خانوادگی نمیتواند مفید باشد. در واقع این گونه رویکرد یک جفای بزرگ در حق جانبختگان عزیز ما می باشد.

ما یاد عزیزان جانبخته ی مان را گرامی میداریم و فراموش نمیکنیم که آنان بخاطر تحقق دموکراسی نوین و ایجاد جامعه ی انسانی عاری از ستم و نابرابری و بطور مشخص بخاطر مبارزه و مقاومت علیه روزیونیست های مزدور سوسیال امپریالیزم شوروی جانبازی نمودند، که لیست منتشر شده فقط بخش کوچکی از مجموعه جانبختگان انقلابی مردمی کشور را تشکیل میدهد. ما با ارج گذاری به جانبختگان گرامی ابراز میداریم که نباید عزت و حیثیت تاریخی خون بهای سنگین آنها را با گدایی از دربار اشغالگران و رژیم پوشالی، تحت هیچ عنوانی مورد توهین و تحقیر قرار دهیم.

اینک ما در دومین سلسله محافل ویژه یاد بود از جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور که در نقاط گوناگون داخل و خارج از کشور زیر شعار "مبارزه علیه توافقنامه های امنیتی رژیم با اشغالگران امریکایی و ناتو و سایر قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی" برگزار میگردد، قرار داریم. از این رو حضور همه ی شما ترقی خواهان که در همایش امروزی حضور دارید را خیر مقدم گفته و تشریف آوری شما را درین برنامه اقدام انقلابی در راستای مبارزه علیه ارتجاع و استعمار و پاسداری از آرمان های جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور در پیشاپیش آن زنده یاد استاد اکرم یاری میدانیم. آرزومندیم که تا آخر این محفل ما را همراهی نمایید.

## کمیته برگزاری هفت قوس

## با تجدید پیمان با آرمان های جانباختگان جنبش انقلابی مردمی

### کشور، مبارزه خستگی ناپذیر خویش را علیه اشغالگران امپریالیست

#### و رژیم پوشالی تشدید بخشیم

هفت قوس، روز تراژدیک برای جنبش انقلابی کشور و نیروهای مترقی می باشد. سی و پنج سال قبل در چنین روزی (هفت قوس ۱۳۵۸) رفیق پیشکسوت (زنده یاد استاد اکرم یاری) و تعداد دیگری از مبارزین راه آزادی و برابری توسط رژیم مزدور کودتا از بین رفتند و این گونه، جنبش دموکراتیک نوین کشور بهترین فرزندان صدیق و مردمی خویش را از دست داد. آنها با جانبازی و استواری تمام و با تکیه بر ایدئولوژی انقلابی و رهایی بخش، به مردم خویش پشت نکردند و تا فرجام زندگی، در تعهد خویش نسبت به میهن و مردمش پایبند ماندند و درین راه قهرمانانه جان شان را فدا نمودند. خون های ریختانده شده ی جانباختگان جنبش انقلابی مردمی کشور و در پیشاپیش آنها زنده یاد استاد اکرم یاری، برخلاف زمزمه های جبونانۀ دشمنان وطن و مردم هیچگاهی نخشکید، بلکه درخت تنومند آزادی و برابری را بیشتر از پیش آبیاری کرد.

جانباختگان گرامی ما برای تحقق آزادی، برابری، عدالت و دموکراسی نوین، از هیچ گونه سعی و تلاش دریغ نورزیدند و درین راه تا پای جان شان به مبارزه ادامه دادند. آنان با افشای چهره ی کریه رویزیونیست های مزدور و سوسیال امپریالیزم شوروی و سایر امپریالیست ها و مرتجعین، صف انقلابیون مردمی را از جریان های ضد انقلابی جدا ساختند. زنده یاد داوود سرمد، این مبارز آهنین، درینمورد گفته است:

خطی کشیم بین ترقی و ارتجاع / با خط سرخ سنگر خویش را جدا کنیم

مبارزان جانباخته و در پیشاپیش آنها زنده یاد استاد اکرم یاری با تاسیس و پایه گذاری سازمان جوانان مترقی گام ارزنده ای را در راستای مبارزه علیه ارتجاع و رویزیونیزم برداشتند. زنده یاد استاد اکرم یاری برای اولین بار خط فکری "حزب دموکراتیک خلق..." را خط رویزیونیستی و ضد مردمی اعلان نموده و تمام نیروهای مترقی و آزادی خواه را برای مبارزه جدی و بی امان علیه این خط ارتجاعی فراخواند. سازمان جوانان مترقی تا زمان فعالیت زنده یاد استاد اکرم یاری به خوبی توانست این مبارزه را به پیش ببرد. اما شوربختانه به علت مرضی سختی که عاید حالش گردیده بود از سازمان کناره گیری نمود و پس از آن خط پاسیفیستی بر سازمان مسلط گردید. خط پاسیفیستی حاکم بر سازمان از یکجانب و خط های انحرافی موجود در میان جریان از جانب دیگر، به عنوان

عوامل بیرونی و درونی سازمانی باعث فروپاشی و انحلال سازمان جوانان مترقی گردید. مختصر اینکه خط های انحرافی پاسیفیستی، اکونومیستی، آوانتوریستی، سنتریستی و... بر بخش های مختلف بجا مانده از سازمان جوانان مترقی و جریان شعله جاوید مسلط گردید.

با وجود این، بخش های مختلف جنبش دموکراتیک نوین افغانستان در مبارزه و مقاومت علیه رژیم کودتا و اشغالگران سوسیال امپریالیست فعالانه سهم گرفتند و در سنگرهای نبرد و سلول زندان ها ده ها هزار نفر قربانی دادند. درین میان رژیم مزدور و ارباب سوسیال امپریالیستش از زنده یاد استاد اکرم یاری، که در آن زمان سازمان و تشکیلات مشخصی نداشت، نیز نگذشت، دو بار زندانی اش ساخت و سر انجام در ۷ قوس ۱۳۵۸ شمع زندگی اش را خاموش ساخت. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

همانگونه که جانبختگان انقلابی علیه تجاوز سوسیال امپریالیزم و مزدوران رویزونیست آنها در کنار مردم ماندند و به مبارزه و مقاومت جانبازانه برای استقلال و آزادی کشور دست یازیدند و جان دادند، امروزه نیز در شرایطی که کشور توسط اشغالگران امپریالیست، در راس امپریالیست های یانکی مورد تجاوز قرار گرفته و رژیم پوشالی همسان رژیم کودتایی مزدور سوسیال امپریالیست ها به سرنوشت مردم حاکم گردیده است، نیاز جدی و میرم وجود دارد که با درس آموزی از رشادت ها و مبارزات انقلابی جانبختگان پیشکسوت مان با تمام توان و اراده علیه اشغالگران و رژیم مزدور آنها به مبارزه جدی و قاطع دست بزنیم.

بدون شک رژیم فعلی همپایه اسلاف خویش در جنابت و وطنفروشی، دست برتر دارد. ترکیب این رژیم ظاهراً به مراتب نسبت به رژیم کودتای ۷ ثور نامتجانس تر است، یعنی در ترکیب رژیم مزدور فعلی، بقایای جنایتکاران جهادی، خلقی ها و پرچی ها، افغان ملتیی ها و تکنوکرات های مزدور سهم دارند. اما ماهیت همه ی اینها در وطنفروشی و مزدوری مثل اسلاف خلقی و پرچی شان است و همه در تلاش هستند تا گوی سبقت را از یکدیگر برابند و خود را خادم و خدمتگذار خوبتر و بهتر برای بادران شان نشان دهند. از این روست که این معجون به ظاهر نامتجانس، در وطنفروشی و خیانت ملی همه با هم یک صدا و هم نظر هستند. نمونه ی بارز این وطنفروشی، امضای قرار داد های ننگین و خاینانه امنیتی با امریکا و ناتو و سایر قوت های امپریالیستی و ارتجاعی منطقه است که سردمداران رژیم برای حفظ بقای نامیمون خویش، به شدت تمام آن را انجام میدهند. پیمان های ذکر شده، در واقع وضعیت اشغال و مستعمره بودن کشور را تدابیر می بخشد و در نهایت حضور نیروهای متجاوز را به اصطلاح قانونی می نمایاند. این به اصطلاح قانونی سازی نیروهای اشغالگر، در واقع فقط و فقط منجر به اسارت دوامدار کشور و مردمان کشور، اشغال عریان و بدون پرس و جو از اشغالگران و باعث فقر و فلاکت بیشتر مردم کشور می گردد.



از این رو همانگونه که رفقای جانباخته ما تا پای جان علیه اشغالگران سوسیال امپریالیست و رژیم مزدور شان رزمیدند، ما نیز به عنوان میراثداران آنها وظیفه و مسئولیت همه جانبه داریم تا علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان مبارزه و مقاومت نماییم و تا زمان اخراج قوای اشغالگر از کشور و سرنگونی رژیم مزدور به مبارزه و مقاومت ادامه دهیم. این امر نیازمند فعالیت های بیشتر مبارزاتی در عرصه های ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی برای پیشبرد مقاومت ملی مردم و انقلابی علیه اشغالگران و مزدوران بومی شان می باشد. اینگونه است که ما می توانیم از آرمان شهدای جنبش انقلابی مردمی کشور پاسداری نموده و خون سرخ شان را پاس داریم.

\*\*\*\*\*

## نقش کمرنگ زنان در جریان دموکراتیک نوین

در دهه ۴۰ شمسی سه جریان مهم و تاریخی در افغانستان شکل گرفت که مرکز فعالیت شان دانشگاه مرکزی کابل و سایر نهاد های آموزشی در کشور بود.

حزب دموکراتیک خلق، یکی از این سه جریان سیاسی بود. این حزب در حقیقت نماینده بورژوازی کمپرادور وابسته به سوسیال امپریالیزم شوروی بود و اصولا سوسیال امپریالیزم شوروی از طریق این حزب اهداف خود را در منطقه و افغانستان پیاده می کرد. سردمداران این حزب (حزب دموکراتیک خلق افغانستان) در یک کودتای ننگین نظامی به کمک باداران روسی شان در ۷ ثور ۱۳۵۷ با سرنگونی داوود خان به قدرت رسیدند. این حزب پس از به قدرت رسیدن جنایات خود را آغاز کرد. در ابتدا زمینه را برای اشغال شوروی مساعد ساخته و ده ها هزار فعال سیاسی را اعدام کرد که در راس آن زنده یاد اکرم یاری و بسیاری از فعالان چپ انقلابی بودند، در سال های حکومت خلقی ها، دوونیم میلیون نفر از مردم افغانستان کشته و معلول شدند و بیشتر از ۶ میلیون نفر در کشورهای پاکستان و ایران مهاجر شدند.

جریان دیگری که در دهه ۴۰ شکل گرفت، جریان اسلام گرا یا اخوانی ها بود. این جریان که ایدئولوژی اسلامی داشت، از سوی کشورهای اسلامی همچون پاکستان، عربستان سعودی و سایر کشورهای اسلامی حمایت می شد، بناءً چنین حزبی نمی توانست به منافع اکثریت مردم افغانستان توجه کرده و برای آن مبارزه کند. اعضای این جریان زمانی که در سال ۱۳۷۱ قدرت را به دست گرفتند، جنگ های داخلی را آغاز کرده و با قتل عام مردم، دارایی های شان را به غارت بردند.

و اما مهم ترین جریانی که در بین تمامی مردم افغانستان اعم از ملیت های مختلف طرفدار و نماینده داشت، جریان دموکراتیک نوین بود. به صراحت می توان گفت که این جریان تنها جریانی بود که همه ملیت ها و اقوام افغانستان زیر چتر آن گرد آمده بودند که البته این جریان به همت والای سازمان جوانان مترقی به میان آمده بود.

سازمان جوانان مترقی با چنین خصلتی، نه وابسته به سوسیال امرپالیزم شوروی بود و نه وابسته به امپریالیست غرب، بلکه برضد هر دو قدرت مبارزه می کرد و صرفاً نماینده برحق توده های میلیونی افغانستان بود.

رهبری این سازمان را زنده یاد اکرم یاری به عهده داشت. کارکردهای زنده یاد اکرم یاری مایه افتخار مردم افغانستان به خصوص جریان شعله جاوید بود. با وجود ویژگی های همه شمول جریان دموکراتیک نوین، اما این جریان از یک ضعف بسیار بزرگ و جدی رنج می برد. این جریان به تمام معنی از طبقه کارگر و زحمتکشان کشور نمایندگی می کرد، اما ضعف بزرگ آن این بود که نتوانست جنبش زنان را به وجهه احسن به پیش ببرد.

احزاب یا جریان های سیاسی در افغانستان تاریخاً مرد سالار بوده اند. از آنجایی که تا کنون همه احزاب سیاسی در افغانستان از زنان استفاده ابزاری داشته اند و همواره زنان بخشی از یک حزبی بوده اند که شوهران و یا مردان خانه آن حزب را رهبری می کرده اند، زنان فرصت این را نیافته اند که به گونه واقعی جنبش زنان را راه بیندازند و از حقوق خویش علل خصوص برای یک انقلاب دموکراتیک نوین مبارزه کنند. به عبارت دیگر جنبش های زنان در افغانستان در اختیار خواسته ها و اهداف مردان بوده است، یعنی به خواست مردان و برای دموکراتیک جلوه دادن احزابی که مردان در راس آن قرار داشته اند، زنان در احزاب یا جنبش ها جذب می شده اند.

این انتقاد بر جریان دموکراتیک نوین وارد است، زیرا به عنوان یک جریان دموکراتیک نوین نتوانسته بود جنبش زنان را ایجاد کند و نیروی زنان را در راه انقلاب آزاد سازد.

زنان در افغانستان بیش از نیمی از نفوس کشور را تشکیل می دهند. آیا انقلابی بدون حضور نیمی از جمعیت یک کشور می تواند به پیروزی برسد؟ جای تاسف است که امروز پس از گذشت ۴۰ سال از عمر جریان شعله جاوید، هنوز هم جنبش زنان به طور شایسته آن شکل نگرفته است.

به باور من در انقلاب بعدی زنان باید نقش فعال داشته باشند، از سطوح پایین تا رهبری جنبش، زنانی که به جرم زن بودن بیش از ۳۰ سال حقارت را تا مغز استخوان شان احساس کرده اند. زنانی که تا دیروز بدون محرم اجازه بیرون شدن از خانه را نداشتند و امروز با حضور به اصطلاح پرچم دار جهانی دموکراسی در کشور، به قتل می رسند، گوش و بینی شان بریده می شود و بر دختران سه ساله و خوردسال شان تجاوز صورت می گیرد. این زنان همان زنانی اند که فردا انقلابی را رهبری خواهند کرد، انقلابی را که سنگ بنای آن بر برابری گذاشته شده باشد.

این طور احساس می شود که امروز بسیاری از رفقای چپ مساله زنان را حل شده تلقی می کنند و به آن چندان اهمیت نمی دهند. اما این موضعگیری نادرست و غیر اصولی است.

مسئله ستم بر زنان نباید به مثابه یک قضیه غیر مهم و فرعی تلقی گردد، زیرا که از یکجانب به محرومیت نصف نفوس جامعه از حقوق اجتماعی و فردی مربوط است و از جانب دیگر مناسبات غیر انسانی مرتبط با آن، جامعه را به نحو بسیار عمیق و گسترده - از خانواده که کوچک ترین سلول جامعه است تا گستره های وسیع اجتماعی - بصورت منفی متأثر می نماید و به مثابه یک عامل مهم در حفظ و استحکام مناسبات مستعمراتی - نیمه فیودالی نقش بازی می کند.

متاسفانه امروز بسیاری از کسانی که ادعای چپی بودن را دارند، نقش زنان را در آشپزخانه می بینند، به باور آنان، گویا اگر زنان با آشپزی کردن و پختن غذاهای لذیذ، شکم انقلابیون مرد را سیر کند، کار انقلابی شان را به گونه احسن انجام داده اند.

چندی پیش گزارش یک محفل سیاسی مربوط به گروهی را که خود را متعلق به جریان شعله جاوید می داند، مطالعه کردم. در این گزارش سیاسی نوشته شده بود که پس از ختم محفل، رفقای زن غذای لذیذ افغانی تهیه کرده و از مهمانان پذیرایی کردند. این نکته برایم جالب بود! باید گفت که چنین بینشی، انعکاس بینش حاکم بر چپ است و کل چپ از چنین بینشی رنج می برد.

اکنون برای برپایی یک انقلاب دموکراتیک نوین، باید جنبش زنان را ایجاد کرد تا از طریق این جنبش نیروهای آزادیبخش زنان در مسیر انقلاب دموکراتیک نوین رها شود. بناءً در

قدم اول باید ذهنیت زنان برای جذب شدن به جنبش زنان آماده گردد. زنان باید بدانند که آزادی حق مسلم آنان است و زنجیرهای ضخیم مردسالاری نمی تواند تا ابد آنان را به بند بکشد.

در قدم دوم، باید ذهنیت مردان چپ در رابطه به نقش زنان تغییر کند. آنان باید درک کنند که با پختن غذاهای لذیذ توسط زنان، انقلابی به پیروزی نخواهد رسید و با ننگ داشتن زنان در آشپزخانه، نمی شود انقلاب دموکراتیک نوین را رهبری کرد.

در نهایت آنچه بسیار مهم است، ایجاد جنبش زنان و فعالیت گسترده آن جهت بسیج زنان در راه انقلاب توده یی است. این کار می طلبد تا رفقای مرد دیدگاه شان را نسبت به زنان تغییر دهند و شانه به شانه زنان در مسیر انقلاب دموکراتیک نوین حرکت کنند.

در حال حاضر مساله حقوق زن آله دستی برای امپریالیست های اشغالگر شده تا با استفاده از آن به اشغال شان ادامه دهند و با نشان دادن چند زن وطن فروش و دست نشانده بر کرسی های بلند حکومتی، اثبات کنند که حق زنان به آنان داده شده است. آن ها در بسیاری موارد میلیون ها دالر را به نام حقوق زن و خشونت علیه زنان به جیب چند به اصطلاح فعال حقوق زن می ریزند تا از این طریق خاک به چشم جهانیان بزنند.

اما نباید فراموش کرد که تفاوت زن کارگر با زن وطن فروش و خاین از زمین تا آسمان است، تفاوت شکریه است با قدسیه، تفاوت زنان کارگر که زیر بار ستم و استثمار کمرشان خم شده با زنانی است که بر کرسی های وزارت و وکالت لمیده اند.

امروز ما به عنوان رهروان جریان دموکراتیک این را درک کرده ایم که بدون حضور زنان هیچ انقلابی نمی تواند به پیروزی برسد، تا زمانی که یک زن زیر ستم است، هیچ زنی در جهان آزاد نیست!

امروز نوبت این است که مساله زنان جدی گرفته شود و زنان باید در کنار مردان انقلابی شانه به شانه برای حق آزادی شان مبارزه کنند.

امروز نوبت این است که زنان به فریب های رنگارنگ و دالره های غرب نه بگویند، نوبت مبارزه برای استقلال و آزادی کشور و مردمان کشور است!

## ټیټ می مه بوله غورځنگ راباندی مکره

### زه په دی افتادگی کی لوی گړنگ یم

گرانوگدون والو!

دافغانستان دنوی دمکراتیک غورځنگ دشهیدانودلمانځ غونډی دویم تلین ته موبشه راغلاست وایم.

ملگرو تیرکال دهالندسفارت او دهشت صبح ورځپانی په مرسته دافغانستان دشهیدانوهغه ۵۰۰۰ کسيز نوم لړخپور کړچی د۱۳۵۷تر۱۳۵۹کلونو ترمنځ د"خلقی" باند اوکودتایی رژیم لخواه په شهادت رسیدلی ول، چی په دغه لیست کی دنوروشهیدانوترڅنگ دشهیداستادمحمداکرم یاری نوم هم لیدل کیږی. داستادمحمداکرم یاری په ژوند او کړنوملگروهرارڅیزبحث وکړ. زه غواړم چی داستاد سیاسی ژوند او سیاسی ایدیولوژی ته یولنډه کتنه وکړم.

ملگرو!

- استادمحمداکرم یاری په افغانستان کی دنوی دمکراتیک غورځنگ بنسټ ایښودنکی دی.
- استادمحمداکرم یاری په خپله زمانه کی دی ټولوانحرافی کړونو"کړشو"له سنتریزم څخه نیولی تراکونومیزم په وړندی مبارزه کړی.
- استاد دکودتا او پاڅون مخالف وو اوبرعکس یی په اوږدی اوانقلابی جگړی چی له کلوواباندوپیلیری اودښارونودمحاصری له لاری پای ته رسیری ټینگارکاو.

درنودوستانو!

اوس چی هیواد دامریکا اوغربی امپریالیستی هیوادنوله خواه اشغال شوی، په اوسنی افغانستان کی داستاد واقعی اوحقیقی لارویان څوک دی.

دهمبستگی په شان راجسترشوی گوندونه؟

دنوی دمکراتیک غورځنگ پخوانی تسلیم شوی څیری لکه سیماثر، رنگین دادفرسپنتا او نجفی؟

نه،نه،نه.

دا کسان اودا گوندونه داستاد استازی اولارویان ندی. داستاد داصلی اوحقیقی استازی دافغانستان دځوانانوددمکراتیک غورځنگ دی، ځکه چی دا غورځنگ هم لکه استاد غوندی په دی عقیده دی چی لمړی باید هیواد له امپریالستی بسکیلاک گرونه خلاص اوپو نوی دمکراتیک نظام پکی پلی شی.

په پای کی به دا وایمه چی:

میوندی ملاله مړه شوه

یا غرمی نه اوری کړنه شوه

ایوبه وینه دی سړه شوه

دمکناټن لښکری بیاراغلی دینه.

له توجه مویوه نری مننه!

## اشعار خوانده شده در محفل دوم

### در رثای رفیق اکرم یاری

بهر یاران است یاری، یاد تو حرف مدام

ای رفیق راه آزادی یی خلق ای نیکنام

بر تو ای بنیانگذار شعله ئی جاوید باد

از همه همسنگرانت صد درود و صد سلام

تو به کشور مشعل آزادی افروختی

سوختی گرچه خود ای رزمنده یی عالی مقام

پیروانت بیرق رزم ترا افراشته

از پی احیائی خط می کنند جهد مدام

تا نگردد رزم ما آغاز و دشمن تارومار

راحت و آرامش ما هم بود بر ما حرام

باید از بنیاد تا سر جمله اشکال ستم

سوخت یکسر تا دیگر نبود ز استبداد نام

گرزروی صدق میخواهی تو آزادی خلق

غیر پیشآهنگ این خواهش بود یکحرف خام

غیر محو ظلم و استبداد و بیداد از جهان

غیر آزادیی انسان نیست شاعر را مرام

## آی مردم سکوت کافی نیست؟

ما همه راویان خون همیم  
 تیغ یا تیر در درون همیم  
 راوی مرگ و میر خود ماییم  
 مثل آتش اسیر خود ماییم  
 می نشینیم و چای می نوشیم  
 آب سردیم چون نمی جوشیم  
 دست در خون هم شنا داریم  
 مثل خود خیلی آشنا داریم  
 در پی کار و بار می گردیم  
 مثل آهو شکار می گردیم  
 از خود و از زمانه دل تنگیم  
 صبح یک رنگ و شام یک رنگیم  
 ما عجیبیم، عجب جهان داریم  
 آنکه او قاتل برادر ماست  
 مثل موییم، موج بی حاصل  
 موج از ما صدف بدست کسان  
 درد در خون خود عجین داریم  
 از غم و درد ها خبر داریم  
 در تن خویش زخم می کاریم  
 ما چه بدبخت زندگی کردیم  
 برده ما، برده دار رهبر ها؟!  
 وای! با ما چه کار ها کردند  
 خلق در بندیم و اسیر هنوز  
 آی مردم سکوت کافی نیست؟  
 وقت حرف و حساب ها نشده؟  
 حمل این وضع و حال کافی نیست؟  
 این همه اعتماد کافی نیست؟  
 عجز کافیس، سنگ بر داریم  
 وقت ترک جناب ها نشده؟  
 تکیه بر احتمال کافی نیست؟  
 عمر ظلم و فساد کافی نیست؟  
 یک به یک ظلم را حساب کنیم  
 خلق! ای خلق انقلاب کنیم  
 چوب و آهن به ننگ بر داریم  
 قاتل خویش بی نقاب کنیم  
 خانه ی ظلم را خراب کنیم



## خواب نان تازه

ماييم لحظه لحظه يك داستان تازه  
 از جوی خون ما و از جانفشانی ی ما  
 جاريست چانه بازی بر سرنوشت مردم  
 پاشیده بين ملت تخم نفاق و نفرت  
 جمعد «قهرمانان»؟ با کشور فروشی  
 چون جیره ختم گردد محشر بپا نمایند  
 در خواب هم نبينيم يك تکه نان تازه  
 برماست تا بریزيم طرح جهان تازه  
 همسرنوشت برخیز تا دست ما بگردد  
 در خواب هم نداريم يك تکه نان تازه  
 هر روز سبز گردد يك «قهرمان»؟ تازه  
 روپوش چانه بازی، هر گفتمان تازه  
 جمعد «قهرمانان»؟ با دوستان تازه  
 ليلام گشته ليلام افغانستان تازه  
 بادار میفرستد يك استخوان تازه  
 ماييم خشت و سنگِ آپارتمان تازه  
 هم يك زمين تازه هم آسمان تازه  
 سازنده ی قشنگِ اين داستان تازه

\*\*\*\*\*

## چه فرقی می کند

چه فرقی می کند نوروز باشد یا خزان باشد  
 چه فرقی می کند کندوز باشد بامیان باشد  
 درون سفره ی ما درد باشد با غم و حسرت  
 و طعم اشک دایم بر زبان کودکان باشد  
 درون سفره ی تو هفت سین، هفتاد من میوه  
 خدا با کودکان مثل مادر مهربان باشد  
 کباب گوسفند تازه، نان گرم و شربت ها  
 برای هر کدام تان همیشه نوش جان باشد  
 و اینجا کودکان، طوفان فقر و درد بی نانی  
 چنان باشد که تنها پوست روی استخوان باشد

چه فرقی می کند دیروز با امروز و نوروزش  
 اگر قصر ستم بالا به اوج آسمان باشد  
 چه فرقی می کند نوروز می آید، نمی آید  
 اگر رویای ما تنها و تنها نیمی نان باشد  
 چه نوروزیست آن روزی که میهن مادر زیبا  
 اسیر پنجه های خون چکان دشمنان باشد  
 ستم بر باد باید کرد، وطن آزاد باید کرد  
 همان روزی که آزادی بود، نوروز آن باشد

\*\*\*\*\*

### شعله و شورش

من شعله ام من شورشم من انقلاب و خیزش  
 من دشمنان خلق را آتش برای سوزش  
 دشمن همه داند که من آتش فشان درپوشش  
 نفرت از این آدمکشان افکنده بردل جوشش  
 من نور بگرفتم بدل از اختر خاور زمین  
 در محو ظلمت از جهان اندر تلاش و کوشش  
 آب شفایم من زبهر درد خلق ای مستبد!  
 برزخم شمشیر ستم مرحم برای جوشش  
 نابود سازد شعله ام تخم ستم را از جهان  
 من پیکر بیداد را آتش زخم با دانش  
 من شمع راه مردم مظلوم و پا ترکیده ام  
 نابود سازد تیرگی را از جهان افروزش  
 سدی نگرده مانع نورم ز قلب خلق ها  
 هرچند که کوشد ابر های تیره بهر پوشش  
 سالم اگر طرح مرا در رزم ها گیرند بکار  
 هفت آسمان جبر را آرد به زیر آموزش

آنانکه می رقصید دی از افت من در رزمگاه  
 بنگرکه میلرزند چسان از رزم خواهی شورشم  
 بردندی گر خلق عرب راه و شئون من بکار  
 افتیدی کاخ ارتجاع بر روز شور و تابشم  
 حافظ منم دور از چمن از هجر گل در سوزشم  
 با ارتجاع زورگوی هیچ گاه نباشد سازشم

### عهد من

مرا عهدیست با یاری و همزمان آزادی  
 برای محو استبداد کنیم پیمان آزادی  
 دیگر بیگانگی ها را کنیم دور از میان مان  
 مداوا گر شویم ما پیکر بی جان آزادی  
 ستم را محو خواهیم ما برابری شود تامین  
 نخواهیم امتیازات را کنیم اعلان آزادی  
 هنوز مظلوم و محکومیم ستم ها هم فراوانند  
 ستمگاران که در عیش اند نیند خواهان آزادی  
 من مظلوم و محکوم ام که پیکار را کنم آغاز  
 نباشد ننگ و عار ما را شوم قربان آزادی  
 دیگر فقر و تهیدستی نیازارد مردم را  
 نه ارباب و خوانین را نهیم در خوان آزادی  
 بیا ای کارگر با ما و با دست توانایت  
 بکن بنیاد ظم و ساز سروسامان آزادی

\*\*\*\*\*

## لهیب طلیعه ای از خورشید

لهیب صدایت در نبرد زمان  
و در سینه پر تپش زحمتکشان  
و پا برهنگان جاریست  
تو شاعر زمان  
و شاعر زحمتکشانی  
تک تک واژه های شعرت  
در نبرد زمان  
و در افق آسمان  
برچکاد کوهساران  
جاریست  
و گلوآژه های  
اندیشه های  
رزمندگان دموکراتیک نوین را  
آذین می بندد  
تو نه تنها شاعر زمانی!  
بلکه ستاره سرخی  
در بلندای  
آسمان لاجوردین  
مبارزه و مقاومت هستی  
"تو همانی که زمان"  
نام نیکوی ترا  
ورد زبان ساخته است  
آنکه تصویر را زیب سخن میسازد  
باید آگاه باشد  
که تو فرزند زمانی  
که در آن:  
خلق رزمنده ما  
بر ضد دیو ستم میرزمنند

## آزادی ای آزادی

باد بمن گفت می آیی  
و من خود سرانه  
بکلبه تو شتافتم  
رو به افق نشستم  
افق روشن بود  
و چشم من پر از امید  
آه ...

ای آزادی، آزادی  
از کدام کرانه خواهی درخشید  
که فرش راه تو، خون جانم باد  
\*\*\*\*\*

ابر بمن گفت می آیی  
و من بال های امیدم را  
در انتظار تو گشودم  
و پشت به قلعه های بلند نا  
امیدی کردم  
بسویی آسمان آرزوها بال  
گشودم  
آه ...

ای آزادی، آزادی  
از کدامین شاهراه خواهی آمد  
که زلفان پریشانم را  
فرش راه تو کنم  
باران بمن گفت می آیی  
و من دامن خشک کویر وجودم را  
لبریز از قطراتش کردم  
تا شقایق های سرخ کوهستان ها را  
سیراب کنم  
آه ....

ای آزادی، آزادی  
از کدامین کرانه خواهی دمید  
تا شقایق های تشنه تو  
بتو سلام گویند

## کارگران و دهقانان افغانستان پیا خیزید!

مشو دلتنگ ای همسنگر و همرزم و رای من  
 حدیث زندگی از من شنو ای همنوای من  
 بود از زحمت من سفره ارباب و خان رنگین  
 بمثل جامه یی صد پینه یی اولادهای من  
 ز کوی بیگ و خان شام و سحر بوی کباب آید  
 ز بهر نان چو دود حسرت شام و صبای من  
 صدای شور و شوق هر شب بقصرشان پیا باشد  
 چو فریاد و فغان کودکان بینوای من  
 نگر کاین کفش من رنگین چویاقوت بدخشانست  
 ز خون دیده و آبله های دست و پای من  
 نمودم صرف عمری در دعا در مسجد و منبر  
 نشد وا بند بیداد و ستم از شانه های من  
 بیا ای کارگربا صدق با من دست یاری ده  
 میان خویش محکم بند از بهر رهای من  
 بمن بهر نجات از ظلم و استبداد یاری کن  
 شکن زنجیر استثمار را از دست و پای من

پیا برخیز ای همرزم و همزنجیر و همسنگر

که نبود غیر پیکارم در عالم دوی من

## اشعار و مقالات محفل سوم:

غم مرگ عزیزان بخاک افتاده سنگین است

دل یاران به سوگ رفتگان رنجور و غمگین است

هزاران مانده از این ره، هزاران دیگر پایند

هزاران رفته در این ره هزاران دیگر آیند

مسیر شهر آزادی دراز است پیچ و غم دارد

سرود رهنوردانش خوش آوا زیر و بم دارد

\*\*\*\*\*

قربان شود هر چند بهر لحظه صد ما

زانو نزنند تا دم مردن احد ما

خاکستر ما نیز پراگنده کند دهر

بیهوده مگیرید سراغ لحد ما

این کاخ زور و زر شبی سر نگون شود

بر زیر پای عام ذلیل و زبون شود

ما را به بزم نور شبی مهمان کنید

هم پیک توده های زمین و زمان کنید

ای همنوا بیا که زمان از مکان گذشت

شد دیر خیلی دیر که باید کمر ببست

\*\*\*\*\*

## در مورد اهمیت محفل یادبود از جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین

منسوبین جریان دیموکراتیک نوین دوشادوش مردم قهرمان افغانستان در مبارزه و مقاومت علیه حاکمیت نظام کودتای ۷ ثور و اشغالگران سوسیال امپریالیست شوروی قربانی های بیشماری را متقبل گردیده و جانبختگان بیشماری را نثار راه آزادی و استقلال کشور نمودند. یاد شان گرامی و راه شان پر رهرو باد.

سال گذشته یک لیست تقریباً ۵۰۰۰ نفری از جانبختگان مردم قهرمان افغانستان که توسط جلادان باند خلق و پرچم در زمان نور محمد ترکی و حفیظ الله امین در سال های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ به کام مرگ فروبرده شده بودند به نشر رسید. در این لیست، تقریباً ۳۰۰ نفر از میان مجموع جانبختگان به جریان دیموکراتیک نوین تعلق داشتند. هم چنان در این لیست، روز جانبختن استاد اکرم یاری بنیانگزار جنبش دیموکراتیک نوین یکجا با تعدادی از انقلابیون توسط مزدوران سوسیال امپریالیسم شوروی، مشخص شده بود.

کمیته برگزاری ۷ قوس در سال گذشته در محافل ویژه ای به خاطر یادبود از جانبختن استاد زنده یاد اکرم یاری و سایر جانبختانگان جنبش دیموکراتیک نوین، روز هفتم قوس را به عنوان روز یاد بود از تمامی جانبختگان جنبش انقلابی کشور (جنبش دموکراتیک نوین) اعلام نموده و تذکر داده بود که هر سال در این روز به خاطر یاد بود از جانبختگان محافل ویژه ای برگزار مینماید.

بعد از انتشار لیست جانبختگان کشور در سال گذشته، تعدادی از بازماندگان و خانواده های جانبختگان، به شمول بازماندگان و خانواده های جانبختگان جنبش دموکراتیک، محافل فاتحه و خوانی برگزار نمودند. درین میان محافل و اشخاص ارتجاعی نیز به شیوه و طریقه خودشان و بخاطر اهداف و مقاصد خاص خودشان محافلی برگزار نمودند.

ما نیز سال گذشته به طریقه و شیوه خاص خویش و با هدف و مقصد خاص خویش به خاطر یاد بود از جانبختگان ما محافل ویژه ای برگزار نمودیم. اکنون که بازم هفت قوس فرا رسیده، یکبار دیگر در نقاط مختلف کشور محافل ویژه ای برگزار می نمایم.

دوستان و رفقا! منسوبین جنبش دموکراتیک نوین کشور به مناسبت های خاص محافل برگزار مینمایند و از ایام خاص تجلیل به عمل می آورند. مثلاً اول می روز جهانی کارگر را تجلیل می نمایند، ۲۸ اسد روز استرداد استقلال کشور از استعمار انگلیس را جشن میگیرند، از سیزدهم میزان تجلیل به عمل می آورند، هشتم مارچ روز جهانی زن را بر گزار می نمایند و همچنان از این به بعد هر سال به خاطر یاد بود از شهدا در ۷ قوس محافل ویژه ای توسط کمیته برگزاری ۷ قوس برگزار می گردد. برگزاری و تجلیل از این ایام هر کدام تأثیرات خاصی در روند زندگی مبارزاتی منسوبین جنبش ما دارد.

در جامعه طبقاتی هیچ چیز بی عرض وجود ندارد. سیاست نیز نمیتواند بی عرض باشد. عرض سیاسی طبقات ارتجاعی و حاکمه، حفظ مناسبات ارتجاعی موجود و منافع شخصی



هریک از افراد طبقات حاکمه را در بر میگیرد. ولی غرض انقلابیون درست ضد غرض مرتجعین است.

غرض مرتجعین از برگزاری محافل یاد بود جانباختگان شان این است که باند خلق و پرچم را انقلابی وانمود نموده و با یادآوری جنایات آنها انقلابیون را آماج حملات شان قرار دهند و در ضمن جنایات خویش را پنهان نمایند. ولی غرض و هدف مبارزین مردمی از برگزاری این محافل اینست که: یاد جانباختگان و پیشگامان را تازه نموده و تعهد نماییم که درس های آنها را مرور نماییم، از تجارب مثبت و منفی آنها بیاموزیم، فدا کاری های شانرا سرمشق قرار داده و با الهام گیری از تجارب انقلابات پیروزمند و تطبیق آن در شرایط مشخص افغانستان به پیش رویم.

ما یاد جانباختگان مانرا گرامی میداریم و هر گز فراموش نمی کنیم که آنها به خاطر تحقق عدالت و مشخصا بخاطر مبارزه و مقاومت علیه باند رویزونیست و دست نشانده و اشغالگران سوسیال امپریالیست شوروی جانبازی کردند و قربانی های بی همتائی را پذیرا شدند.

در لیست منتشره بخش بسیار کوچکی از جانباختگان جنبش دیموکراتیک نوین انعکاس یافته است. طبق یک آمار تخمینی در طول دوران تسلط باند خلق و پرچم و اشغالگری سوسیال امپریالیسم شوروی، جنبش دیموکراتیک نوین تقریباً در حدود ۲۰۰۰۰ نفر تلفات را متحمل شده است.

ما ضمن بزرگداشت انقلابی از جانباختگان پیشگام مان، امضای موافقتنامه امنیتی میان امپریالیست های امریکائی و رژیم دست نشانده را به شدت تقبیح مینماییم و یاد آور میشویم که امضای موافقتنامه امنیتی خیانت ملی بوده و نقض صریح حاکمیت ملی مردم افغانستان میباشد.

بزرگداشت انقلابی از جانبازی های پیشروان وجیبه مشترک همه ماست؛ ولی ما زمانی میتوانیم ابن وجیبه را به شکل شایسته و اصولی ادا نموده یاد و خاطره پیشروان مانرا زنده نگهداریم که در امر مبارزه به خاطر استقلال و آزادی کشور از چنگال اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده و پیروزی انقلاب دیموکراتیک نوین، برای بر پائی و پیشبرد موفقیت آمیز مقاومت ملی مردمی و انقلابی متعهد بوده هر چه اصولی تر و استوار تر به پیش رویم.

مرگ بر جنایتکاران رویزونیست خلق و پرچم!

مرک بر اشغالگران امریکائی و متحدینش!

زنده باد یاد و خاطره جانباختگان انقلابی!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد موفقانه مقاومت ملی مردمی و انقلابی!

\*\*\*\*\*

بر خیز که دشمن به دیار آمده امروز  
 ای شیردلان وقت شکار آمده امروز  
 بر خیز که از دشمن آشفته بپرسیم  
 در خاک دلیران به چه کار آمده امروز

\*\*\*\*\*

پیوند استوار چو انگشتهای دست  
 در وحدت فشرده بالا و پست ماست  
 هرگز مجاز نیست پراکنده زیستن  
 جمعیت ستم نفسان در گسست ماست  
 در سایهٔ سلام بسی حيله خفته است  
 این درس تلخ تجربهٔ بود و هست ماست

\*\*\*\*\*

مهمانان عزیز و دوستان گرانقدر سلام!

در قدم اول یاد جانبختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور در ۷ قوس سال ۱۳۵۸ را گرامی می‌داریم. در قدم دوم گرچه من باید شعر نوشته شدهٔ خود را می‌خواندم، اما از قرار معلوم فرصت دارم تا قبل از سرایش شعرم صحبت مختصری داشته باشم.

دوستان عزیز! تاریخ افغانستان شاهد تلخی‌ها، سختی‌ها و ستم‌های زیادی بوده است و این همه را مردم بیچارهٔ این سرزمین متقبل شده‌اند. تاریخ افغانستان از قرن‌ها پیش شاهد قتل، غارت و ستمگیری از سوی جابربین زمان بوده است. توده‌های زحمتکش همیشه غم دیده‌اند، همیشه ستم کشیده‌اند و همیشه سرکوب و نابود شده‌اند. سرزمین افغانستان هیچگاهی شاهد یک قرن یا نیم قرن آرامی نبوده است. این ناآرامیها، کشتار و تجاوزات باعث بدبختی مردم زحمتکش و ویرانی کشور شده است. قرن‌هاست که

بر این سرزمین متوالیاً تجاوز صورت گرفته است. قرن‌ها ست که این وطن بصورت مسلسل توسط مزدوران خود فروخته لیلام شده است.

مردم این سرزمین در چند قرن اخیر شاهد حوادث ناگواری بوده اند. امپراتوری انگلس بر این سرزمین تجاوز کرد. سوسیال امپریالیزم شوروی بر این سرزمین به گفته خودشان به کمک رفقای خلقی و پرچمی شان تاختند. اما در حقیقت این یک تجاوز آشکار بود و نوکران بومی شان هرچه توانستند در حق مردم بیچاره کشور روا داشتند. کشور را ویران کردند، ۵ میلیون نفوس این سرزمین به کشورهای همسایه و اطراف و اکناف کره زمین مهاجر شدند، یک میلیون و پنجمصد هزار کشته، زخمی و معلول دادند. بهترین افراد کشور به اعدام‌های دسته جمعی محکوم شدند. جوانان رشید کشور در زیر خاک در گورهای دسته جمعی پوسیده شدند. جانبختگانی که ما امروز از آنها یاد می نماییم نیز توسط باند خلق و پرچم به اعدام محکوم شدند. بهترین افراد کشور ناپدید شدند، قریه ها ویران شد و زمین های وسیع این سرزمین کشتزار مینهای ضد انسانی گردید.

اما با فروپاشی سوسیال امپریالیزم شوروی و فروپاشی رژیم مزدور سوسیال امپریالیزم شوروی، مردم باور کردند که نصیب خلقهای این سرزمین خوش بختی و نصیب کشور امنیت و آرامی خواهد بود. ولی این خوابی بیش نبود. باندهای ارتجاعی با تصرف پایتخت کشور بجان هم افتادند و کابل را ویران کردند. شهر کابل و مردم این شهر تا هنوز بعد از تقریباً بیست سال شاهد ویرانی های آن زمان هستند. باندهای ارتجاعی باهم جور نیامدند و کشور در سردرگمی سیاسی قرار گرفت. امپریالیزم امریکا در پی مقاصد خویش طالبان را تقویه کرد و این امر باعث شد تا طالبان قسمت های وسیعی از کشور را تصرف نمایند که پایتخت کشور نیز شامل مناطق تحت کنترل امارت اسلامی بود. مردم افغانستان شاهد دوره سیاه هفت ساله امارت اسلامی بودند.

وقتی حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ صورت گرفت، برای امپریالیزم امریکا و شرکایش بهانه خوبی پیدا شد و خواستار تسلیم نمودن اسامه از طرف طالبان به ایالات متحده امریکا شدند، اما طالبان این خواست را نپذیرفتند. امریکا و شرکایش یک ماه به صورت متواتر سنگرهای امارت اسلامی را بمباران نمودند و بعد از اینکه افراد امارت اسلامی جان به لب شدند، حملات زمینی را از طریق به خدمت گرفتن نیروهای جهادی نیز آغاز کردند.

دیری نپایید که امارت اسلامی سقوط کرد و کرزی ریاست رژیم دست نشانده امپریالیست های امریکایی و شرکای شان را طبق یک توافق نامه ننگین که در بن صورت گرفت، بدست گرفت.

مردم باز هم با یک توهم محض امیدوار شدند که گویا امریکا افغانستان را نیویارک دوم می سازد و با این توهم شب و روز شان را سپری نمودند. از آن زمان تا حال ۱۳ سال سپری می شود. اما مردم این سرزمین در چه وضعیت قرار دارند؟. طبیعی است که وضعیت بدتر شده است. مردم گرسنه تر شده اند. اقتصاد کشور به صفر رسیده است. وضعیت امنیتی خراب تر شده است. رژیم مزدور غنی و شرکاء عملاً با امضا نمودن قرار داد امنیتی با امپریالیزم امریکا، استقلالیت کشور را زیر پا نمودند و کشور و مردمان این کشور را در اسارت آشکار و ننگین قرار دادند. مردمان کشور نباید فریب این دو نوکر ( غنی و عبدالله ) را بخورند و نباید به حرفهای پوچ و میان تهی این نوکران بازی بخورند، زیرا اینها نوکر هستند و از خود هیچ اختیار و صلاحیتی ندارند.

بنابراین مردم کشور باید راه درست و مردمی را دریابند تا مردمان کشور از قید اسارت و بدختی رها شوند. یقیناً راه اکرم یاری نجاتبخش مردمان کشور از هرگونه بدختی می باشد. راه اکرم یاری و یارانش ادامه دارد و کسانی هستند که ادامه دهنده این راه می باشند .

در اخیر یک بار دیگر یاد این جانباختگان را گرامی می دارم و امید وار هستم آرمانهای این شهدا روزی تحقق یابد.

حال شعرنوشته شده خویش را می خوانم:

دی شام و شام دیگر که گذشت

رنگ بهار نداشت

حامل شده بود شب پرست

با گامهای خویش

خروارها چراغهای خاموش را

دیگر گذشت آن شب و آن شام و ظلمت بی پایان

اینک چراغ هایی هست

چند فتیله برای سوختن

چند شعله برای روشنی

چند دست استوار

چند بازوی بی قرار

که دل بسته اند به طغیان خروشان صبحگاهان فردا

هوای من سفر مکن

با ابرهای تیره شب

مرز میان تو و آن کوچه

همین شب است

فردا آفتاب است

و ازدحام امید از هر دریچه

که برفرش کوچه ما نور می فشاند

دیگر

حنجره من

قالب شود بر زبان ستمکشان

سر دهد نوای شرربار عشق را

آزادی را

اینجا

آنجا

و داستان خون را

دیگر بهارِ من

قول و قرارِ من

دریای عشق می جوید

توفان فانوس و آهنگ سرگذشتِ خویش را

دیگر ستارگان مهجور

در شب توحش

افسانه نخوانند

چشمک زنند از هر کنار آسمان با صفای خویش

دیگر آن قطره اشکِ چشمِ کودکِ قهرمانِ فردا

در کاسه جلاد آتش افگند

دیگر چراغی باشیم

آویخته بر گردنِ توفانِ منزلِ خویش.

تشکر از توجه تان.

قطعنامه ذیل به عنوان سند مشترک کمیته برگزاری ۷ قوس در پایان هر سه محفل قرائت گردید.

## قطعنامه دومین سلسله از محافل ویژه یادبود از جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور

در قطعنامه اولین سلسله از محافل ویژه یادبود از جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور " در ۷ قوس سال گذشته اعلام گردیده بود که:

« ما اعلام می کنیم که بعد از این همه ساله، روز هفتم قوس را که روز جانباختن استاد اکرم یاری است، به عنوان روز یادبود از تمامی جانباختگان جنبش انقلابی کشور [(جنبش دموکراتیک نوین کشور)] برگزار می نماییم.»

اینک که با گذشت یکسال از ۷ قوس سال ۱۳۹۲ موفق شده ایم دومین سلسله از محافل ویژه یادبود از جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور را در مناطق مختلف کشور، زیر شعار "مبارزه علیه توافقنامه های امنیتی رژیم با اشغالگران امریکایی و ناتو و سایر قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی"، برگزار نماییم، اعلام می نمایم که:

۱ - عامل عمده بحران کنونی در کشور، حضور اشغالگرانه نیروهای نظامی متجاوز امپریالیست های امریکایی و متحدین شان در افغانستان است. تا زمانی که این نیروهای اشغالگر، تحت هر عنوان و نام ظاهری در افغانستان حضور داشته باشند، حالت بحرانی کنونی در کشور ادامه می یابد. کاملاً واضح و روشن است که حضور اشغالگرانه این نیروها در افغانستان با امضای توافقنامه های امنیتی میان رژیم دست نشانده و اشغالگران امریکایی و ناتو از بین نمی رود بلکه ادامه می یابد. در چنین شرایطی امضای توافقنامه های امنیتی میان رژیم و سایر قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی، که در واقع با مجوز اشغالگران امریکایی و ناتو صورت می گیرد، نیز نمی تواند زمینه های مساعدی برای از میان بردن عامل

عمدهٔ بحران در کشور فراهم نماید، بلکه به تداوم آن خدمت می نماید. ما خواهان براندازی تمامی توافقنامه های امنیتی امضا شده توسط رژیم دست نشانده با قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی هستیم و درین راه به مبارزات مان ادامه خواهیم داد.

۲- رژیم دست نشانده در وضعیت کنونی به سردمداری "رئیس جمهور" و "رئیس اجرائیه" اش، به هیچ صورتی یک رژیم منتخب توسط مردمان کشور نیست. وضعیت کنونی رژیم حتی بر اساس معیارهای انتخاباتی قانون اساسی خود رژیم نیز نمی تواند یک وضعیت انتخابی به حساب آید، بلکه در نتیجهٔ یک طرح سازشی به میان آمده توسط وزیر خارجهٔ امریکا به وجود آمده است. این طرح سازشی در نتیجهٔ ناکامی کامل سومین دور انتخابات ریاست جمهوری رژیم به وجود آمد و تطبیق گردید. نامگذاری این سازش تحت نام "حکومت وحدت ملی" را فقط می توان توهین تاریخی به وحدت ملی و کل ملیت های کشور محسوب نمود. امضای توافقنامهٔ امنیتی میان اینچنین رژیم دست نشانده و رسوا با اشغالگران امریکایی و ناتو و سایر قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی خارجی، در تناقض بنیادی با استقلال کشور و آزادی مردمان کشور و منافع اساسی و خواست های برحق توده های زحمتکش کشور قرار دارد و از هیچ نوع مشروعیتی برخوردار نیست. بنابراین ادامهٔ حضور قوای اشغالگر در افغانستان، با توسل به توافقنامه های امضا شده میان اشغالگران و دست نشاندهگان شان، کاملاً نامشروع و تحمیلی است و جز یک اشغالگری آشکار چیز دیگری بوده نمی تواند. مبارزه علیه این اشغالگری و رژیم دست نشاندهٔ تحمیلی وظیفه و مسئولیت میهنی و ملی هر هموطن استقلال طلب و آزادیخواه است.

۳- پیشبرد مبارزه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده کماکان وظیفهٔ عمدهٔ مبارزاتی کنونی در کشور را تشکیل می دهد. این مبارزه باید مبتنی بر منافع و خواست های اساسی توده های زحمتکش مردم و سلاح فکری و سیاسی مترقی و در ضدیت با شوونیسم ملیتی و شوونیسم جنسیتی پیش برده شود. فقط در چنین صورتی مبارزه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده می تواند یک مبارزهٔ فراگیر،



سرتاسری و پیشرونده باشد. حرکت بر مبنای منافع و خواست های اساسی یک اقلیت صاحب امتیاز در جامعه (طبقات استثمارگر)، که اقلیت کوچکی بیش نیستند، و سلاح فکری و سیاسی ارتجاعی و تکیه بر شوونیزم ملیتی و شوونیزم جنسیتی در این مبارزه، صرفاً می تواند دامنه و عمق مبارزه متذکره را زیان رسانده و در نهایت به نفع اشغالگران و رژیم تمام گردد.

۴ - شکلهی یک مبارزه مترقی، پیشرونده و فراگیر علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده، مستلزم بسیج همگانی توده های مردم و رهبری درست آنها در این مبارزه بر اساس یک خط مبارزاتی مترقی درست و اصولی دموکراتیک نوین است. این ضرورت مبارزاتی فقط در صورتی می تواند تامین گردد که تمامی نیروها و شخصیت های دموکراتیک نوین در کشور گرد خط اصولی دموکراتیک نوین تحت رهبری تشکیلات انقلابی گرد آیند.

" کمیته برگزاری ۷ قوس " وظیفه خود می داند که در حد توان خود بخاطر تامین این ضرورت مبارزاتی از هیچ تلاش و کوششی دریغ ننماید. ما از این تریبون تجلیل از جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور اعلام می کنیم که حاضریم میزبانی یک سلسله سیمینارهای بحثی میان نیروها و شخصیت های دموکراتیک نوین کشور بخاطر حل اختلافات و ایجاد همسویی های اصولی ممکنه میان شان را بر عهده بگیریم.

## کمیته برگزاری ۷ قوس

۷ قوس ۱۳۹۳





کمیته برگزاری ۷ قوس

۷ قوس ۱۳۹۳